



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۴ rd.

Year/NO: ۱ Spring ۲۰۲۱

بررسی پویایی قوانین و مقررات فقهی در تعیین نرخ بهره در سیستم اقتصادی اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با شاخص های بانک جهانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

طیبه عارف نیا<sup>۲</sup>

افسانه امینی خواه<sup>۱</sup>

چکیده:

در این مقاله به بررسی پویایی قوانین و مقررات فقهی در تعیین نرخ بهره در سیستم اقتصادی اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با شاخص های بانک جهانی پرداخته شده است. اجرای این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و ابزار تحقیق، کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مجلات و مقالات می‌باشد. یکی از درگیری‌های اساسی حال حاضر دولت و سیستم بانکداری و مردم همان تعیین نرخ بهره است. نرخ بهره‌ای که می‌تواند تعریف‌کننده‌ی وضعیت چرخه‌ی مالی و نحوه‌ی سرمایه‌گذاری بخشی عظیمی از طبقات اقتصادی باشد. وضعیت اقتصادی جامعه‌های امروزی چنان پیچیده و متحول است که هر بانک یا مؤسسه اعتباری اگر بخواهد با کارایی بالا فعالیت کند نیازمند ارتباط‌های مالی گسترده و سریع با دیگر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری است. وجود راهکارهای مناسب برای استفاده از منابع یکدیگر باعث بالا رفتن کارایی و سود همه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری می‌شود. نتایج حاکی از آن است که قانون فعلی بانکداری بدون ربا هیچ راهکاری برای ارتباط بین بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری ایران با بانک‌های بدون ربا دیگر کشورهای اسلامی و با بانک‌های متعارف دنیا ندیده است درحالی‌که با استفاده از برخی قراردادهای شرعی می‌توان حتی با بانک‌های ربوی و متعارف دنیا تعامل کرد. از نظر فقهی نیز لحاظ نمودن نرخ تورم در محاسبه سود، بهره محسوب نمی‌شود و تنها حافظ ارزش واقعی پول خواهد بود. در این مقاله با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و کشورهای اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا نقد و بررسی شده، آنگاه برای اصلاح و تکمیل، قانون جایگزین پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه: نرخ بهره، سیستم اقتصادی اسلامی، ربا.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهر ری، تهران، ایران. afsanhamini@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهر ری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). tarefnia@gmail.com

## مقدمه

بانکداری اسلامی یکی از رو به رشدترین بخش های صنعت بانکداری است. این بخش قدمتی در حدود ۳۰ سال دارد و در اکثر کشورهای اسلامی در میان افرادی که از بهره‌گريزانند، جایگاه خاصی دارد. این سیستم به طور کلی شبیه بانکداری متعارف است اما بهره در آن جایی ندارد و بر پایه تسهیم سود و زیان میان وام‌گیرنده و بانک استوار است و سود آن بر اساس مقررات و اصول اسلامی می‌باشد. در مقابل سیستم بانکداری متعارف به‌عنوان واسطه مالی میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان عمل می‌کند و پول سپرده‌شده توسط مشتریان را در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد. درآمد این سیستم از تفاوت بهره دریافتی از وام‌گیرندگان و بهره پرداختی به سپرده‌گذاران حاصل می‌شود. هرچند که بانک هزینه‌هایی نظیر هزینه‌های بالا سری و حقوق کارکنان را نیز شامل می‌شود و به این ترتیب درآمد خالص بانک از تفاوت درآمدها و هزینه‌ها قابل‌مجا سبه است. شایان‌ذکر است، سیستم بانکداری متعارف بر مبنای مبادلات ناشی از بهره استوار است اولین تفاوت بانکداری متعارف و اسلامی در نحوه استفاده از پول است. در واقع در بانکداری متعارف پول به‌عنوان یک کالا، به‌منظور کسب سود خرید و فروش می‌شود در حالیکه در بانکداری اسلامی از پول جهت تسهیل مبادلات و به‌منظور اجرایی کردن اهداف تجاری استفاده می‌شود. دومین مورد اینکه نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به‌طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به‌صورت برون‌زا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد، این در حالی است که بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای مالی بهره می‌گیرد، این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه‌مدت، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلندمدت، راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به‌جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می‌کند. به‌عبارت‌دیگر در بانکداری متعارف سه گروه سپرده‌گذاری بانک و متقاضی تسهیلات، از نظر اقتصادی و حقوقی کاملاً مستقل عمل می‌کنند در حالیکه بانکداری اسلامی مبتنی بر تسهیم سود و زیان است (روزنامه ایران، ۱۳۸۸، ص ۷).

یکی از مباحث مهم در علم اقتصاد، تأثیر نرخ بهره و سود بانکی بر تقاضای سرمایه‌گذاری است. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند: سرمایه‌گذاری، تابع معکوس نرخ بهره است. هر چه نرخ بهره کاهش یابد، در حقیقت هزینه سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت (تفضلی، ۱۳۶۶، ص ۵۸). در مقابل، کینز معتقد است که سرمایه‌گذاری فقط تابع نرخ بهره نیست؛ زیرا اگر سرمایه‌گذاران پیش‌بینی کنند که سود فراوانی به دست خواهند آورد، ممکن است حتی با نرخ بهره بالا نیز به اخذ وام و سرمایه‌گذاری اقدام کنند، چنانکه اگر پیش‌بینی سود نداشته باشند، حتی در نرخ بهره‌های خیلی پایین هم به سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کنند. وی به همین دلیل، سرمایه‌گذاری را به‌پیش‌بینی‌های سودآوری مربوط می‌داند (گلریز و ماجدی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۸).

بانکداری اسلامی یکی از رو به رشدترین بخش‌های صنعت بانکداری است. این بخش قدمتی در حدود ۳۰ سال دارد و در اکثر کشورهای اسلامی در میان افرادی که از بهره‌گريزانند، جایگاه خاصی دارد. این سیستم به‌طور کلی شبیه بانکداری متعارف است اما بهره در آنجایی ندارد و بر پایه تسهیم سود و زیان میان وام‌گیرنده و بانک استوار است و سود آن بر اساس مقررات و اصول اسلامی می‌باشد. در مقابل سیستم بانکداری متعارف به‌عنوان واسطه مالی میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان عمل می‌کند و پول سپرده‌شده توسط مشتریان را در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد. درآمد این سیستم از تفاوت بهره دریافتی از وام‌گیرندگان و

بهره پرداختی به سپرده‌گذاران حاصل می‌شود. هرچند که بانک هزینه‌هایی نظیر هزینه‌های بالاسری و حقوق پرسنل را نیز شامل می‌شود و به این ترتیب درآمد خالص بانک از تفاوت درآمدها و هزینه‌ها قابل محاسبه است. شایان ذکر است، سیستم بانکداری متعارف بر مبنای مبادلات ناشی از بهره استوار است. اولین تفاوت بانکداری متعارف و اسلامی در نحوه استفاده از پول است. در واقع در بانکداری متعارف پول به عنوان یک کالا، به منظور کسب سود خرید و فروش می‌شود در حالیکه در بانکداری اسلامی از پول جهت تسهیل مبادلات و به منظور اجرایی کردن اهداف تجاری استفاده می‌شود. دومین مورد اینکه نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به صورت برون‌زا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد، این در حالی است که بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای مالی بهره می‌گیرد، این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه مدت، راه‌هایی چون قرض الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلندمدت، راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می‌کند. به عبارت دیگر در بانکداری متعارف سه گروه سپرده‌گذار، بانک و متقاضی تسهیلات، از نظر اقتصادی و حقوقی کاملاً مستقل عمل می‌کنند در حالیکه بانکداری اسلامی مبتنی بر تسهیم سود و زیان است.

اهمیت موضوع تحقیق حاضر یکی از درگیری‌های اساسی حال حاضر دولت و سیستم بانکداری و مردم است که همان تعیین نرخ بهره است. نرخ بهره‌ای که می‌تواند تعریف‌کننده وضعیت چرخه‌ی مالی و نحوه سرمایه‌گذاری بخشی عظیمی از طبقات اقتصادی باشد. گرایش به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها به عنوان امن‌ترین راه کسب سود از سرمایه و به تبع آن خروج سرمایه و گرایش به انباشتن آن در حوزه‌ها و راه‌های دیگر در ارتباط مستقیم با تعیین نرخ بهره در نظام بانکداری حال حاضر ایران است. تبیین دیدگاه فقه اسلامی درباره تعیین نرخ بهره به صورت عام در تمام بازارهای داخلی و ارائه تحلیلی از آخرین مطالعات نظری و تجربی درباره ارتباط تغییرات نرخ‌های بهره با متغیرهای کلان اقتصادی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تورم، از مهم‌ترین دلایل انتخاب این موضوع است. یکی دیگر از انجام ضرورت این تحقیق رسیدن به جوابی روشن در زمینه نرخ بهره و تعارض و دوگانگی که میان فقها و حقوقدانان می‌باشد و همچنین با تأسیس بانک‌های خصوصی و به دنبال آن بحث خصوصی‌سازی بانک‌ها دولتی در راستای اجرایی شدن اصل ۴۴، و موضوع تعیین نرخ بهره و تسهیم سود واقعی سرمایه‌گذاران بانک‌ها و همچنین مشکلات و موانع پیش روی آن‌ها و تعیین نرخ بهره و تسهیم سود واقعی با توجه به معیارهای فقهی و حقوقی در ایران و ارائه راهکاری جهت نزدیک شدن و بررسی ابعاد و قلمروی بانک جهانی در این تحقیق بر آن شده‌ایم تا با ارائه راهکارهای مناسب با توجه به اینکه در این زمینه هرچند تحقیقات مختصری انجام شده ولی تحقیق جامع و مستقلی تحت این عنوان انجام نشده است ارائه نمایم.

### روش تحقیق

در این تحقیق که به صورت توصیفی-تحلیلی است با مراجعه به کتاب‌های معتبر در ارتباط با موضوع را خوانده و عنوان‌های متناسب با موضوع را استخراج کرده و ضمن تهیه فیش برای هر یک با مراجعه به فهرست کتاب‌ها و مقاله‌های دیگر آن را تکمیل می‌کنم.

اجرای این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و ابزار تحقیق، کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مجلات و مقالات می باشد. همچنین از بعضی منابع تحقیقی دیگر در جهت تأیید، رد، اصلاح و یا تشریح و تحلیل بیشتر مسائل و موضوعات مطرح شده در موضوع، بهره گرفته شده است.

### معرفی نهادهای بین‌المللی اقتصادی - بازرگانی

نهادهای مالی بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین نیازهای مالی کشورهای عضو برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای و بازسازی اقتصادی آنها دارد .

دسترسی به منابع مالی ارزان قیمت بین‌المللی برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی یکی از مزیت‌های اساسی در تأمین مالی سرمایه به‌ویژه برای کشورهای درحال توسعه و کشورهای درگیر با بحران‌های مالی محسوب می شود . از این رو نوعی رقابت بین‌المللی برای دستیابی به این منابع همواره وجود دارد و در همین حال برخی قدرت‌های بزرگ در تصمیم‌گیری نسبت به اعطای تسهیلات اعتباری در این‌گونه نهادها اثرگذار می‌باشند . آنها با ارائه تحلیل‌های خاص در قبال اوضاع سیاسی - اقتصادی کشورهای متقاضی وام می‌توانند در پرداخت یا عدم پرداخت اعتبارات نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند . با این وجود کشورهایی که با کمبود منابع سرمایه و سرمایه‌گذاری روبه‌رو می‌باشند ، همواره می‌بایست در تلاش برای دریافت اعتبارات ارزان‌قیمت باشند (ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۸).

### اعطای وام «پیروزی» بانک جهانی

موافقت بانک جهانی با پرداخت دو فقره وام به ایران به‌نوعی پیروزی برای ایران و شکست برای آمریکا معنی شده است . می‌توانیم به همین تحلیل‌ها دل‌خوش کنیم و کاری نداشته باشیم که اصولاً چرا وام می‌گیریم . چرا از بانک جهانی وام می‌گیریم و چرا این قضیه می‌تواند آن‌قدر اهمیت کسب کند که آن را به‌مثابه پیروزی در یک مبارزه مهوم قلمداد کنیم.

اگر اهمیت اعطای وام به ایران به این خاطر است که پرداخت آن مخالف میل باطنی آمریکا بوده است . مجدد یک موفقیت خود را به کشوری در آن سوی دیگر دنیا چسبانده‌ایم که ظاهراً در حال نبرد با ماست . فراموش می‌کنیم که متصل کردن این موضوع به آمریکا ، کشاندن یک موضوع اقتصادی به ورطه سیاست است . سیاستی که خسران‌های بسیار در قلمروهای اقتصادی به ما تحمیل کرده است.

بانک جهانی به ما وام می‌دهد به همین دلیل ساده که دیگر می‌تواند ایران را در جامعه بین‌المللی نادیده بگیرد. این آن نکته‌ای است که باید اشتیاق ما را برانگیزد . شادمانی ما از این‌که دیگر به اهداف غیرمنطقی خودشان دست نیافته و نتوانسته‌اند جلوی پرداخت این وام‌ها را بگیرند، نه سودی در عرصه داخلی و نه در قلمرو بین‌المللی برای ما دارد . بی‌جهت دل‌تنگ نشویم و دیگران را دل‌تنگ نکنیم . وام مان را بگیریم و سرفرازانه جلو برویم تا همه دنیا به این باور برسند که می‌تواند به کشورمان اعتقاد کند و راه‌های تفاهم و همکاری را گسترده کند.

بهرتر است به اظهارات رئیس بانک جهانی پس ارتباطی تصویب پرداخت دو فقره وام به ایران توجه کنیم که گفته است هدف از موافقت پرداخت وام به ایران حمایت از اصلاحات پرزیدنت خاتمی بوده است. او افزوده است که برنامه‌های آتی پرداخت وام به ایران پس از بررسی نتایج برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در طی ۶ یا ۹ ماه آینده تنظیم خواهد شد.

### وظایف، اهداف و تشکیلات بانک جهانی

بانک جهانی سعی می‌کند تا ارتباطی بین منابع کشورهای ثروتمند و رشد اقتصادی کشورهای فقیر برقرار کند. بانک جهانی، نه یک بانک بلکه به بیان دقیق‌تر یک موسسه تخصصی است. بانک جهانی در کاربرد عمومی آن نیست. بلکه یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل است و بیش از ۱۸۴ کشور در آن عضو هستند.

بانک جهانی در واقع عنوانی است که در جهت معرفی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و موسسه بین‌المللی توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد این سازمان با همکاری یکدیگر وام با نرخ بهره پایین، اعتبار و وام‌های بلاعوض به کشورهای در حال توسعه اعطا می‌کنند. بیش از ۱۰ هزار نفر متخصص توسعه از تمام کشورهای جهان در مرکز جهانی در واشنگتن با ۱۰۹ اداره بانک جهانی در کشورهای عضو همکاری می‌کنند. کشورهای با درآمد پایین به‌طور عموم نمی‌توانند در بازارهای بین‌المللی پول، وام دریافت کنند چراکه نرخ‌های بهره آن‌ها بالاست. با توجه به این موضوع بانک جهانی جهت دریافت اعتبار وام این کشورها به آن‌ها پشتیبانی‌های تخصصی می‌دهد. وام‌ها و اعتباری که این کشورها از طریق بانک جهانی دریافت می‌کنند طی یک دوره ۳۵ تا ۴۰ ساله بازپرداخت می‌شود. وام بدون اعتبارات مالی که از طریق موسسه انجمن بین‌المللی توسعه پرداخت می‌شود. بزرگ‌ترین منبع مساعدت در سطح جهان می‌باشد.

در گزارش جامع‌تر به فعالیت بانک جهانی که شامل دو سازمان بزرگ وام‌دهنده فوق و سه سازمان وابسته کوچک‌تر به نام‌های شرکت مالی بین‌المللی، موسسه بین‌المللی تضمین چندجانبه سرمایه‌گذاری و مرکز بین‌المللی حال اختلاف سرمایه‌گذاری است خواهیم پرداخت (رسانه و اقتصاد، ۱۳۸۸).

### ارزیابی بانک جهانی از محیط کسب‌وکار در ایران

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقررات سهل و آسان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه موجب ارتقای بهره‌وری است. در همین بررسی‌ها، وجود همبستگی قوی بین سهولت آغاز و اداره یک فعالیت اقتصادی جدید از یک طرف و وجود یک نظام قانونی مستحکم و منسجم از سوی دیگر به اثبات رسیده است. این گزارش به این نتیجه رسیده است که مقررات سخت و دشوار، رشد اقتصادی را کند می‌کند. یک بخش خصوصی پروژه تحرک که در آن بنگاه‌ها به سرمایه‌گذاری می‌پردازند، شغل ایجاد می‌کنند و بهره‌وری را ایفا می‌بخشد، موجب افزایش رشد و گسترش فرصت‌ها برای فقرا است. دولت‌ها در اطراف جهان، برای ایجاد چنین بخش خصوصی، اصلاحات گسترده‌ای را به اجرا درآورده‌اند که از آن جمله‌اند، برنامه‌های تثبیت اقتصاد کلان، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی و کاهش موانع تجاری. با وجود این دو بسیاری از کشورها، فعالیت‌های کارآفرینی هم چنان محدود فقر فراوان و رشد راکد باقی‌مانده است. در کشورهای دیگر نیز اصلاحات کلان مرسوم را به کناری نهاده و

عملکرد خوبی هم داشته‌اند. اما چگونه؟ گرچه سیاست‌های کلان بدون تردید از اهمیت برخوردارند، اجماع روزافزونی به وجود آمده است (بایزید مردوخی، ۱۳۹۰).

رتبه دهی و نمره دادن شفاف به شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، میل و آرزوی ایجاد تغییر را تشدید کرده است. یکی از شواهد و نمونه‌های بارز این موضوع تأثیر شاخص توسعه انسانی است که کشورهای را ناچار کرد تا در استراتژی توسعه خود بر روی بهداشت و آموزش تأکید بیشتری بکنند.

تشریفات قانونی که به‌طور رسمی لازم است تا یک کارآفرین کلیه مجوزهای لازم را به دست آورد و خود را نزد کلیه مراجع ضروری به ثبت برساند تا بتواند به‌طور قانونی فعالیت خود را شروع کند، بسیار مهم است مدت‌زمان لازم برای این تشریفات هم از اهمیت بالایی برخوردار است. در سال ۲۰۰۲ در کشور پاکستان کلیه ادارات مالیاتی کشور را به‌صورت الکترونیکی به هم متصل و تشریفات ثبت شرکت‌های را تجمیع کردند که در نتیجه این کار مدت‌زمان لازم برای شروع یک کسب‌وکار از ۵۳ روز به ۲۲ روز تقلیل پیدا کرد.

### دریافت کارمزد از متقاضیان تسهیلات اعتباری

از ابتدای سال ۱۳۵۹ دریافت بهره از وام‌ها و اعتبارات بانکی حذف گردید و به‌جای آن مقرر گردید بانک‌ها در مقابل اعطای وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی کارمزد دریافت کنند، میزان کارمزد نسبت به موارد مختلف متفاوت بود، برای مثال در مورد وام‌های بخش مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن ۴ درصد و برای بخش‌های بازرگانی و خدمات ۶ الی ۸ درصد تعیین گردید (بهمند بهمنی، بانکداری داخلی ۱، ص ۳۴ و ۳۵).

نظام سود تضمین‌شده و کارمزد اشکالات عدیده فقهی و اقتصادی داشت که در زیر برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم. ماهیت حقوقی تمام انواع سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار در بانکداری متعارف قرض بود، سپرده‌گذار با افتتاح حساب و اعطاء وجوه به بانک در واقع به بانک قرض می‌دهد. بنابراین پرداخت هر نوع زیاده به هر اسمی ربا خواهد بود، در نتیجه تعیین سود ۸ درصد برای سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار چیزی جز تضمین شده به مبلغ ۷ یا ۵ درصد تغییر اسم ربا و بهره به سود نیست. مطابق فقه اسلامی بانک‌ها و مؤسساتی چون صندوق‌های قرض‌الحسنه که اقدام به اعطای وام و اعتبار به اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌کنند مجازند برای تأمین هزینه‌های پرسنلی، تأسیسات و غیره، مبلغی به‌عنوان کارمزد از گیرندگان وام دریافت کنند، بدیهی است این کارمزد بایستی در قبال ارائه خدمات و متناسب با هزینه‌های آن باشد و گرفتن هر نوع زیاده در مقابل خود وام هرچند به اسم کارمزد ربا و حرام است (امام خمینی، استفتائات جدید، ج ۱۲، ص ۲۹۸ سؤال ۴۱ و ۴). در این روش اگر بر اساس کارمزد واقعی عمل شود (یعنی با یک یا دو درصد وام داده شود) از یک‌طرف به جهت اینکه بانک نمی‌تواند سودی برای صاحبان سپرده پردازد با کاهش شدید منابع مواجه خواهد شد (اکثر سپرده‌گذاران وجوه خود را از بانک گرفته به دیگر بازارهای پولی و مالی و یا خارج از کشور می‌برند و از طرف دیگر به جهت ارزان بودن هزینه استفاده از تسهیلات، بانک با انبوه متقاضیان وام و اعتبار مواجه خواهد شد و اگر به اسم کارمزد درصد قابل توجهی از متقاضی تسهیلات گرفته و به صاحب سپرده پردازند. اگرچه می‌تواند منابع کافی در اختیار داشته باشند و در اعطای وام نیز با مشکل مواجه نشوند لکن در این صورت تنها اسم نظام بهره عوض شده اما حقیقت بهره برقرار است، در نتیجه ربا و ممنوع خواهد بود. لذا به دلیل مشکلات فوق این نظام دوام نیاورد «قانون عملیات بانکداری بدون ربا» مطرح شد.

## الگوهای وام‌دهی در بانکداری بدون ربای اسلامی

بانک‌های اسلامی جهت حفظ بقای خود در تجارت و کسب سود کافی بایستی به اصلی‌ترین وظیفه خود، وام‌دهی، بپردازند. هرچند که این امر نیز بایستی بر پایه اصول و مقررات اسلامی و تسهیم سود و زیان باشد. در ادامه به توضیح برخی قراردادهای وام‌دهی اسلامی می‌پردازیم:

### فروش اقساطی

بانک‌های اسلامی به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت استفاده در امور تولیدی و خدماتی، کالاهایی نظیر مواد اولیه و لوازم‌یدکی، مسکن، اموال منقول، ماشین‌آلات و تأسیسات را تهیه و از طریق فروش اقساطی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند. در حالیکه در بانکداری متعارف جهت خرید این کالاها می‌بایست از طریق وام و اعتبار با بهره اقدام می‌کردند.

### اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک از لحاظ قضایی عبارت است از شرط بیع در ضمن عقد اجاره که با پرداخت تمام اقساط، مستأجر مالک عین مستاجر شود. فروش سهم به بیش از پولی که فروشنده برای خرید آن داده شرعاً و قانون ممنوع نیست و فقها اعتقاد دارند فروش به مازاد مبلغ ابتیاع شده با در نظر گرفتن مدت اقساط بوده و مطابق قانون اجاره به شرط تملیک با تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، بلاشکال است.

### معاملات سلف

منظور از معامله سلف در عملیات بانکی پیش‌خرید نقدی محصولات تولیدی صنعتی، کشاورزی، معدنی) به قیمت معین است. زمانی که تولیدکننده‌ای در جریان تولید کالا یا فرآورده دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شود می‌تواند از طریق پیش‌فروش قسمتی از تولید خود نیاز مالی بنگاه را تأمین نماید.

### خرید دین

خرید دین تسهیلاتی است که به موجب آن بانک سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسیه تجاری باشد، خریداری می‌کند. خرید دین در بانکداری بدون ربا در واقع همان بیع دین است و فروش دین را چه به خود بدهکار و چه به شخص ثالث مانند بانک، به قیمت اسمی و یا کمتر از آن جایز می‌داند. این ابزار در بانکداری متعارف به صورت تنزیل مجدد بود.

### جعاله:

به موجب این قرارداد، جاعل یا کارفرما در قبال انجام عمل معین طبق قرارداد ملزم به پرداخت جعل (اجرت) معلوم می‌گردد. در جعاله‌های بانکی به طور معمول متقاضی تسهیلات با بانک جعاله‌ای به صورت نسیه اقساطی منعقد می‌کند مبنی بر اینکه بانک کار خاصی برای او انجام دهد و جعل را به صورت نسیه اقساطی از او دریافت کند. سپس بانک در قرارداد جعاله دیگری که به صورت

نقد است، انجام کار را به عامل دیگری می سپارد در نتیجه منابع بانک به صورت نقد پرداخت شده و به صورت نسبی اقساطی باز می گردد. بر این اساس تفاوت جعل قرارداد نخست با قرارداد دوم باید به اندازه ای باشد که به تناسب مبلغ و مدت بازگشت منابع بانک سود مناسبی باشد.

### مضاربه

مضاربه عقدی است بین بانک و شخص دیگر که برای اقدام به یک امر تجاری منعقد می گردد. در این قرارداد بانک به عنوان مضارب یا تأمین کننده وجه مورد لزوم و طرف دیگر قرارداد به عنوان عامل عهده دار انجام کلیه امور مرتبط با موضوع قرارداد مضاربه می باشد. سود حاصل از انجام معامله مورد نظر بین بانک و عامل در پایان کار تقسیم خواهد شد و نسبت این تقسیم بر اساس توافق اولیه خواهد بود.

### مشارکت مدنی:

مشارکت مدنی در آمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیر نقدی شریک با سهم الشرکه نقدی و یا غیر نقدی بانک به نحو مشاع است که جهت انجام کاری معین در زمینه فعالیت های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود به منظور انتفاع بر حسب قرارداد به کار می رود.

### مشارکت حقوقی

مشارکت حقوقی تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی توسط بانک می باشد. طبق قانون، بانک ها از طریق مشارکت حقوقی، کمبود سرمایه شرکت های سهامی تولیدی و شرکت های سهامی بازرگانی و خدماتی را تأمین می کنند و در پایان هر دوره مالی همانند سایر سهامداران به نسبت سرمایه در سود شرکت سهامی می شوند.

### مزارعه:

یکی از عقود شرعی است که به موجب آن یکی از طرفین زمینی را برای مدت معین به طرف دیگر واگذار می کند تا در آن زراعت کرده و محصول را به نسبت مورد توافق بین خود تقسیم می کنند. این قرارداد با تقسیم محصول و تحویل سهم بانک خاتمه می یابد ولی در مواردی بانک ممکن است مایل باشد سهم محصول خود را توسط عامل به فروش برساند.

### مساقات:

بر اساس این قرارداد معامله بین صاحب باغ میوه و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می شود. در این قرارداد بانک ها همیشه نقش صاحب را خواهند داشت. بنابراین هر یک از بانک ها که در حوزه فعالیت شعب خود دارای درختان میوه یا قابل ثمر باشند به طوریکه مالک عین یا منفعت آن ها بوده و یا به هر عنوان مجاز به تصرف در آن باشند، چنانچه شخص یا اشخاص حاضر به انعقاد قرارداد مساقات به عنوان عامل باشند اقدام به این کار خواهند نمود.



## مقایسه نرخ سود سپرده‌های بانکی ایران با کشورهای شاخص

از آنجاکه نرخ تورم کشورها در سال‌های گوناگون، متفاوت است، مقایسه نرخ‌های بهره و سود اسمی سپرده‌ها ممکن نیست. بر این اساس لازم است مقایسه میان نرخ‌های واقعی (بعد از کسر نرخ تورم) صورت گیرد. مطالعه آمارهای رسمی نشان می‌دهد نظام بانکی ایران برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲، ۷ و / (پیش از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا)، به‌طور متوسط به ترتیب ۷ و ۱۴ در صد ۷۳٫۸ در صد بهره اسمی پرداخته است و در این سال‌ها متوسط نرخ تورم ۷۷ بوده است؛ یعنی در حقیقت، نظام بانکی در این فاصله زمانی به ترتیب برای سپرده‌های ۱۹۸ : ۶ بهره واقعی منفی (ضرر) پرداخته است (موسویان، ۱۳۸۳). ۷ و ۰۴ / پیش‌گفته، ۷ بعد از اجرای بانکداری بدون ربا، در فاصله زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹، نظام بانکی برای ۷ در صد و برای سپرده‌های بلندمدت سپرده‌های کوتاه‌مدت به‌طور متوسط ۱۶، ۲۶٫۱۴ در صد سود اسمی پرداخته است، در حالی‌که در این سال‌ها نرخ تورم به‌طور متوسط ۲۱ در صد و در واقع در این فاصله زمانی، نرخ سود واقعی سپرده‌های ۲۶ / متوسط ۷ در صد بوده است (همان: ۱۹۹ / ۱۴ - و سپرده‌های بلندمدت ۵ / کوتاه‌مدت ۶). | با کنترل و کاهش تدریجی تورم از سال ۱۳۷۹ به بعد، سود پرداختی واقعی به سپرده‌گذاران تا حدودی بهتر شد. به‌طوری‌که در جدول زیر آمده است، متوسط سود منفی برای سپرده‌های بلندمدت به سود مثبت تبدیل شد.

نرخ‌های سود اسمی و واقعی سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ایران (درصد)

| سال     | نرخ سود اسمی کوتاه مدت | نرخ سود اسمی بلند مدت | نرخ تورم | نرخ سود واقعی کوتاه مدت | نرخ سود واقعی بلند مدت |
|---------|------------------------|-----------------------|----------|-------------------------|------------------------|
| ۱۳۷۹    | ۸                      | ۱۸/۵                  | ۱۲/۶     | -۴/۶                    | ۵/۹                    |
| ۱۳۸۰    | ۷                      | ۱۷                    | ۱۱/۴     | -۴/۴                    | ۵/۶                    |
| ۱۳۸۱    | ۷                      | ۱۷                    | ۱۵/۸     | -۸/۸                    | ۱/۲                    |
| ۱۳۸۲    | ۷                      | ۱۷                    | ۱۵/۶     | -۸/۶                    | ۱/۴                    |
| ۱۳۸۳    | ۷                      | ۱۷                    | ۱۵/۲     | -۷/۸                    | ۱/۸                    |
| میانگین | ۷/۲                    | ۱۷/۳                  | ۱۴/۱۲    | -۶/۹۲                   | ۳/۱۸                   |

مآخذ: استخراج‌شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سال‌های مختلف

نرخ‌های بهره اسمی و واقعی سپرده‌های بانکی در کشورهای شاخص

| سال                |            | ۱۹۹۹ |            |           | ۲۰۰۰ |            |           | ۲۰۰۱ |            |           | ۲۰۰۲ |            |  |
|--------------------|------------|------|------------|-----------|------|------------|-----------|------|------------|-----------|------|------------|--|
| کشور               | بهره اساسی | تورم | بهره واقعی | بهره اسمی | تورم | بهره واقعی | بهره اسمی | تورم | بهره واقعی | بهره اسمی | تورم | بهره واقعی |  |
| آمریکا             | ۵/۳۳       | ۲/۳  | ۳/۰۳       | ۶/۵       | ۳/۴  | ۳/۱        | ۳/۷       | ۸/۲  | ۰/۹        | ۱/۷۳      | ۱/۵  | ۰/۲        |  |
| فرانسه             | ۲/۶        | ۰/۵  | ۲/۲        | ۲/۶       | ۱/۷  | ۰/۹        | ۳         | ۱/۷  | ۱/۳        | ۳         | ۱/۹  | ۱/۱        |  |
| کره                | ۷/۹        | ۰/۸  | ۷/۱        | ۷/۹       | ۲/۳  | ۵/۶        | ۵/۸       | ۴    | ۱/۸        | ۴/۹       | ۲/۸  | ۲/۱        |  |
| چین                | ۲/۳        | -۱/۴ | ۳/۷        | ۲/۳       | ۰/۲  | ۲          | ۲/۳       | ۰/۵  | ۱/۸        | ۲         | ۰/۸  | ۲/۸        |  |
| بحرین              | ۴/۸        | -۱/۴ | ۶/۲        | ۵/۸       | -۰/۷ | ۶/۵        | ۲/۷       | ۰/۲  | ۲/۵        | ۱/۳       | ۱/۲  | ۰/۱        |  |
| میانگین بهره واقعی | ۴/۴۵       |      | ۳/۶۲       |           | ۱/۶۶ |            | ۱/۲۶      |      |            |           |      |            |  |

### International Financial Statistics: مأخذ:

اگر متوسط نرخ بهره واقعی پنج کشور در چهار سال مذکور را به دست آوریم، به ۲ درصد می‌رسیم. مقایسه نرخ سود واقعی سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله / رقم ۷۵ بانک‌های ایران با نرخ بهره واقعی پنج کشور شاخص. نشان می‌دهد که نرخ سود سپرده‌های پنج ساله بانک‌های ایران گرچه تا سال ۱۳۷۹ به‌طور متوسط منفی بوده است، از آن سال به بعد رشد خوبی کرده و اکنون به نرخ متوسط پنج کشور شاخص رسیده و در صد هم از آن پیش افتاده است. به‌طورقطع، همین بهبود باعث / است و حدود ۵ رشد سریع سپرده‌های مدت‌دار در پنج سال گذشته از رقم ۱۰۳۹۰۴ میلیارد ریال به ۳۱۷۵۳ میلیارد ریال شده است که نشان‌دهنده رشد بیش از ۳۰۰ درصدی در پنج سال و رشد متوسط سالانه ۳۲ درصدی است معاونت امور بانکی وزارت اقتصاد، همان البته سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت چنان‌که گذشت، همچنان بافاصله به سائری، منفی است که باید به آن‌ها توجه شود. با توجه به مقایسه نرخ سود سپرده‌های بلندمدت نظام بانکی ایران در پنج سال گذشته با متوسط نرخ بهره بانک‌های شاخص، به نظر می‌رسد.

وضعیت فعلی نرخ‌های سپرده‌های بلندمدت و وضعیت مناسبی است و هر نوع کاهش در آن‌ها (با فرض ثابت ماندن نرخ تورم حدود ۱۵ درصد یا افزایش آن سبب نگرانی سپرده‌گذاران و توقف رشد یا کاهش سپرده‌های مدت‌دار خواهد شد. اگر سیاست دولت در تثبیت قیمت‌ها موفق شود و نرخ تورم برای سال‌های بعد از آن کاهش یابد. می‌توان به‌اندازه کاهش نرخ تورم، از نرخ سود اسمی سپرده‌های بلندمدت کاست. ولی اگر نتیجه به هر دلیلی منتهی به افزایش نرخ تورم می‌شود که در عمل چنین شده استریال باید برای حفظ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت حقوق شرعی و قانونی آن‌ها، نرخ سود اسمی سپرده‌ها را به‌اندازه ۱۸ افزایش نرخ تورم افزایش داد. برای مثال، حال که نرخ تورم برای سال ۱۳۸۶ حدود ۶ و برای سال ۱۳۸۷ حدود ۲۰ درصد برآورد می‌شود، نرخ سود سپرده‌های یک ساله باید بالای ۲۲ درصد باشد تا حداقل ۲ درصد سود واقعی برای سپرده‌گذار باقی بماند.

## مقایسه نرخ سود تسهیلات بانکی ایران با چند کشور شاخص

برای داوری درباره کاهش یا افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی در ایران نیز مناسب است بین آن‌ها و نرخ بهره تسهیلات کشورهای شاخص مقایسه کنیم. قبل از مقایسه نرخ‌ها، تذکر این نکته لازم است که شورای پول و اعتبار در ایران در سال ۱۳۸۴، برای بخش‌های گوناگون اقتصادی، نرخ‌های سود متفاوتی تعیین می‌کرد، درحالی‌که در اکثر کشورها نرخ بهره بانکی برای بخش‌های گوناگون یکسان است. در نتیجه برای داوری درست، ناچار به مقایسه نرخ هر یک از بخش‌های ایران با نرخ کشورهای شاخص هستیم.

نرخ سود تسهیلات بانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی (درصد)

| سال             | نرخ تورم | کشاورزی | صنعت و معدن | مسکن  | بازرگانی و خدمات | صادرات |
|-----------------|----------|---------|-------------|-------|------------------|--------|
| ۱۳۷۹            | ۱۲/۶     | ۱۳-۱۶   | ۱۷-۱۹       | ۱۵-۱۶ | ۲۲-۲۵            | ۱۸     |
| ۱۳۸۰            | ۱۱/۴     | ۱۴-۱۵   | ۱۶-۱۸       | ۱۵-۱۶ | حداقل ۲۳         | ۱۸     |
| ۱۳۸۱            | ۱۵/۸     | ۱۳-۱۴   | ۱۵-۱۷       | ۱۴-۱۵ | حداقل ۲۳         | ۱۷     |
| ۱۳۸۲            | ۱۵/۶     | ۱۳/۵    | ۱۶          | ۱۵    | حداقل ۲۱         | ۱۵     |
| ۱۳۸۳            | ۱۵/۲     | ۱۳/۵    | ۱۵          | ۱۵    | حداقل ۲۱         | ۱۴     |
| میانگین         | ۱۴/۱۲    | ۱۳/۷    | ۱۶/۴        | ۱۵/۱  | ۲۲/۱             | ۱۶/۴   |
| متوسط سود واقعی | ---      | -۰/۳۴   | ۲/۳۶        | ۱/۰۶  | ۸/۰۶             | ۲/۳۶   |

مآخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی برای سال‌های مختلف

بررسی ارقام سطر آخر جدول بالا که نرخ سود متوسط واقعی بخش‌های گوناگون اقتصادی طی پنج سال منتهی به سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد، گویای آن است که نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی در بیشتر سال‌ها و همین‌طور متوسط پنج سال آن، زیر نرخ تورم بوده است و این بدان معناست که نظام بانکی، پیوسته به این بخش ۱ سود متوسط / یارانه داده است. بعد از بخش کشاورزی، بخش مسکن با متوسط ۰/۶ واقعی، ارزان‌ترین تسهیلات را داشته است. سپس بخش صنعت و معدن و صادرات، ۸ درصد / نرخ سود معتدلی را پرداخته است و بخش خدمات و بازرگانی با ۰/۶ گران‌ترین تسهیلات بانکی را به خود اختصاص داده است. البته از سال ۱۳۸۵ نرخ‌های سودبخش‌های گوناگون، یکسان و برای همه بخش‌ها در بانک‌های دولتی ۱۴ درصد و برای بانک‌های خصوصی ۱۷ درصد تعیین شد. در سال ۱۳۸۶ این نرخ‌ها به ترتیب برای بانک‌های دولتی و خصوصی به ۱۲ و ۱۳ درصد کاهش یافت که در مقایسه با نرخ تورم آن سال‌ها بسیار پایین است برای مثال، درحالی‌که نرخ تورم در سال ۱۳۸۶ بالاتر از ۱۸ درصد بود، بانک‌های دولتی و خصوصی به ترتیب ۱۲ و ۱۳ درصد تسهیلات داده‌اند. جدول زیر، نرخ بهره تسهیلات بانکی کشورهای شاخص را نشان می‌دهد که مقایسه نرخ‌های ایران با آن‌ها معنادار است.

نرخ بهره اسمی و واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص (درصد)

| کشور               | ۱۹۹۹      |      | ۲۰۰۰       |      | ۲۰۰۱      |      | ۲۰۰۲       |      |
|--------------------|-----------|------|------------|------|-----------|------|------------|------|
|                    | بهره اسمی | تورم | بهره واقعی | تورم | بهره اسمی | تورم | بهره واقعی | تورم |
| آمریکا             | ۸         | ۲/۳  | ۵/۷        | ۹/۲  | ۷         | ۳/۴  | ۵/۸        | ۳/۲  |
| فرانسه             | ۴/۶       | ۰/۵  | ۵/۹        | ۶/۷  | ۷         | ۱/۷  | ۵          | ۴/۷  |
| کره                | ۹/۶       | ۰/۸  | ۸/۶        | ۵/۸  | ۷/۷       | ۴    | ۶/۲        | ۲/۸  |
| چین                | ۵/۹       | -۱/۴ | ۷/۳        | ۹/۵  | ۵/۹       | ۰/۵  | ۵/۶        | -۰/۸ |
| بحرین              | ۱۱/۹      | -۱/۴ | ۱۳/۳       | ۱۱/۷ | ۱۰/۸      | ۰/۲  | ۱۲/۴       | ۱/۲  |
| میانگین بهره واقعی | ۸/۱۶      |      | ۷          |      | ۵/۹۶      |      | ۵/۰۶       |      |

### مآخذ: International Financial Statistics

مقایسه نرخ متوسط بهره واقعی تسهیلات بانکی در کشورهای شاخص طی ۶ در صد است، با نرخ متوسط سود واقعی تسهیلات بانکی / چهار سال که حدود ۵۴ برای بخش های پنج گانه ایران طی سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ نشان می دهد که فقط نرخ سود واقعی بخش بازرگانی و خدمات، از نرخ سود متوسط کشورهای شاخص بیشتر است. ولی نرخ های سود واقعی بخش های دیگر، نه تنها در مقایسه با نرخ متوسط کشورهای شاخص کمتر است بلکه در هیچ سالی به اندازه سود واقعی هیچ یک از کشورهای پیش گفته نمی رسد. یعنی بالاترین نرخ سود واقعی در بخش های ۲ درصد برای بخش صنعت و معدن، پایین ترین نرخ / تولیدی در ایران ۳۶ درصد است و این بدان معنا است که ۳/ بهره واقعی برای پنج کشور شاخص یعنی ۲ بخش های تولیدی ایران ( کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن در مقایسه با نرخ های کشورهای شاخص، یعنی ۲ بخش های تولیدی ایران همین باعث شده است که هیچ تولیدکننده خصوصی در ایران با امکان دریافت تسهیلات از نظام بانکی داخلی سراغ بانک های خارجی نرود، در حالی که پیش از انقلاب، برخی از صنایع معروف ایران، بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق استقراض از بانک های خارجی تأمین می کردند. بعد از سال ۱۳۸۵ و یکسان شدن نرخ سود تسهیلات، نرخ سود واقعی همه بخش ها منفی شده است و این بدان معناست که همه بخش ها از یارانه مخفی استفاده می کنند. پیشنهاد می شود، تا رسیدن به وضعیتی که بتوان نرخ های سود را برای بانک ها در بخش های گوناگون آزاد کرد و تا زمانی که احساس می شود به حمایت خاص از بخش های تولیدی نیاز است، متوسط نرخ های سود واقعی تسهیلات برای ۱ | درصد، صنعت و معدن ۲ درصد، بخش های کشاورزی ۱ درصد، مسکن ۲ درصد و بخش بازرگانی و خدمات ۵ درصد باشد.

### نظام مالی

یک نظام مالی متشکل از شبکه بازارهای مالی، مؤسسات مالی، خانوارها و دولت است. این واحدها عملکرد نظام مالی را تنظیم می نمایند. عملکرد نظام مالی، انتقال منابع وام دانی، از وام دهندگان (یا واحدهای دارای مازاد پس انداز) به استقراض کنندگان (یا واحدهای دارای کمبود تقاضا) است و مؤسسات مالی نقش مهمی را در این فرایند ایفا می کنند (Fraser & Rose, ۱۹۸۸).

### مؤسسات مالی

مؤسسه مالی یک بنگاه تجاری است که شامل مؤسسات بانکی و غیر بانکی مانند بانک‌ها، مؤسسات بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، مؤسسات سرمایه‌گذاری و... می‌شود. دارایی‌های اصلی یک مؤسسه مالی، اسناد دارایی و مطالبات مالی، مانند سهام، اوراق قرضه و وام‌ها می‌باشد. در مقابل، دارایی‌های اصلی در یک مؤسسه غیرمالی، عبارت از دارایی‌های حقیقی نظیر ساختمان، تجهیزات و مواد خام است.

### نرخ بهره و نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری

در خصوص بهره، از دیدگاه‌های مختلف، تعاریفی عنوان شده که شامل موارد زیر است:

- (الف) نرخ بهره قیمتی است که در نظام سرمایه‌داری برای پول و اوراق قرضه پرداخت می‌شود.
- (ب) بهره در واقع هزینه‌ای است که افراد درازای استفاده از منابع دیگران به آن‌ها می‌پردازند.
- (ج) نرخ بهره قیمت اجاره پول می‌باشد. البته گاهی به غلط آن را «قیمت پول» گفته‌اند، در حالی که قیمت پول، مقدار کالاها و خدماتی است که یک واحد پول قادر به خرید آن می‌باشد.
- (د) نرخ بهره به صورت یک نرخ قراردادی، نرخ است که در قرارداد برای استقراض تعیین می‌شود.
- (ه) بهره درآمدی است که فرد به ازای به تعویق انداختن استفاده از منابع خود دریافت می‌نماید.
- (و) بهره پاداشی است که به وام‌دهنده پرداخت می‌شود، تا در وهله اول آنان را ترغیب کند که از این وجوه نقد خود جدا شود و در وهله دوم، خطرات اقتصادی را که در جریان قرض دادن پول ممکن است پدید آید، خنثی کند (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

### نظریه‌های تعیین نرخ بهره

در نظریه پولی، نرخ بهره موضوع اصلی مورد توجه است. سه الگوی اصلی برای تعیین نرخ بهره وجود دارد:

نظریه حقیقی نرخ بهره: بر اساس این نظریه، نرخ بهره توسط عوامل حقیقی مانند سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، بهره‌وری و عقل معاش تعیین می‌شود. در اینجا، فرض می‌گردد که در بازار وجوه قابل اعطاء به صورت وام، تقاضا و عرضه اوراق قرضه جدید، تنها انعکاسی از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، هستند. دو ویژگی اصلی نظریه حقیقی ساده نرخ بهره، عبارت است از:

(الف) عرضه اوراق قرضه تنها ناشی از تمایل بنگاه‌ها به سرمایه و انتشار اوراق برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری است. عرضه برنامه‌ریزی شده اوراق با سطح برنامه‌ریزی شده سرمایه‌گذاری برابر است. تقاضای برنامه‌ریزی شده اوراق با پس‌انداز برنامه‌ریزی شده، برابر است.

(ب) از آنجاکه سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، متغیرهای روانه هستند، منحنی‌های عرضه و تقاضا باید مرتبط به جریان تقاضا و عرضه اوراق باشند.

**الگوی پولی وجوه قابل اعطاء به صورت وام:** در این الگو، تقاضا و عرضه اوراق جدید یا وجوه قابل اعطاء به صورت وام، به توابع تقاضا و عرضه پول، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، بستگی دارد. در این نظریه، نرخ بهره آشکارا به صورت جزئی پدیده‌ای پولی است. لازم به ذکر است که نرخ بهره توسط نیروهای حقیقی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و نیروهای پولی عرضه و تقاضای پول تعیین می‌شود، و سطح نرخ بهره با تغییر نیروهای پولی می‌تواند تغییر یابد. نظریه رجحانت نقدینگی: در سال ۱۹۳۶ میلادی، کینز نظریه بهره را ارائه کرد. این نظریه نیز همچون نظریه پولی وجوه قابل اعطاء به صورت وام، عوامل پولی

را مدنظر قرار می‌دهد. در واقع، به اعتقاد کینز نرخ بهره عمدتاً یک پدیده پولی است. در این الگو، کینز به‌طور کامل تأثیر نقدینگی پول را که در واقع همان تقاضای کنز است، بر نرخ بهره بیان کرد.

### عوامل مؤثر بر نرخ بهره

بانک‌ها برای تعیین نرخ بهره وام خود، از فرمول خاصی استفاده می‌نمایند. مهم‌ترین عامل در تعیین نرخ بهره، نرخ مبنای می‌باشد. متغیرهای دیگری که در این زمینه دخالت دارند، عبارت‌اند از:

الف) عرضه و تقاضا: نرخ بهره همانند قیمت کالاهای دیگر بر اساس میزان تقاضای اعتبار نسبت به عرضه آن در بازار تغییر می‌نماید. به عبارت دیگر در صورتی که میزان عرضه وام اعطائی بیشتر از تقاضای وام باشد، در این حالت نرخ بهره کاهش خواهد یافت.

ب) نرخ تورم: یکی از عوامل مهم در تعیین نرخ بهره، نرخ تورم است؛ چراکه در صورت پائین بودن نرخ بهره نسبت به نرخ تورم، قدرت خرید پولی که اعتباردهنده در آینده دریافت می‌کند، نسبت به پولی که هم‌اکنون پرداخت می‌کند، کمتر است. نرخ تورم باعث کاهش قدرت خرید پول می‌گردد؛ به طوری که به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم، در واقع به معنای یک درصد کاهش در میزان کالایی است که با آن پول در آینده می‌توان خرید نمود. به همین دلیل اعتباردهنده سعی می‌کند با لحاظ نمودن نرخ تورم در نرخ بهره، حداقل قدرت پول خود را حفظ نماید.

ج) ریسک: ریسک به معنای عدم اطمینان بیشتر باشد، به معنی ریسک بیشتر است. ریسک عاملی است که نه تنها بر میزان نرخ بهره تأثیر می‌گذارد، بلکه باعث می‌شود تا نرخ بهره در معاملات مختلف نیز متفاوت شود. مهم‌ترین ریسک‌هایی که در بحث اعتبار وجود دارند، عبارت‌اند از:

ریسک عدم توانایی اعتبار گیرنده: احتمال اینکه به علت عدم توانایی اعتبار گیرنده، امکان بازپرداخت به موقع اصل و فرع بدهی میسر نگردد، یکی از اجزای ریسک اعتباری محسوب می‌شود. ریسک نقدی: چنانچه اوراق بهادار خریداری شده توسط بانک به سرعت قابل فروش نباشد، در این حالت ریسک نقدینگی اوراق افزایش می‌یابد. در ادبیات بانکداری خرید اوراق بهادار، به معنای اعطای وام به ناشر اوراق است.

ریسک زمان سررسید: زمان سررسید نیز خود یکی از عوامل ریسک محسوب می‌شود، زیرا اوراق بهاداری که سررسید آن‌ها زودتر از اوراق دیگر باشد، از ریسک کمتری برخوردارند. این امر باعث می‌گردد تا اوراق با سررسید طولانی با نرخ بهره بالاتری عرضه شوند. البته اوراقی که دارای کوپن هستند و در دوره‌های مشخصی از طریق کوپن‌های مزبور سودی به دارندگان آن‌ها پرداخت می‌گردد، نسبت به اوراق بهادار بدون کوپن از ارجحیت بالاتری برخوردار هستند؛ چراکه در اوراق بدون کوپن، دارنده آن باید تا سررسید اوراق برای دریافت سود صبر نماید.

د) مالیات: به طوری که ملاحظه می‌شود، در بعضی از کشورها به اوراق بهادار مالیات تعلق گرفته که این امر نیز در تعیین نرخ بهره اوراق مؤثر است. با توجه به عوامل مؤثر فوق، می‌توان این گونه عنوان کرد که خریداران اوراق بهادار یا اعطاکنندگان اعتبار انتظار دارند نرخ سود دریافتی آن‌ها از حد معینی کمتر نباشد. منطقی است که نرخ سود مورد انتظار به نحوی تعیین گردد که پوشش کافی در خصوص موارد زیر را ایجاد نماید:

الف) نرخ سود مورد انتظار از نرخ تورم کمتر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت خرید فعلی اصل مبلغ پرداختی از قدرت خرید اصل به علاوه سود دریافتی کمتر خواهد بود.

ب) در صورتی ریسک عدم بازپرداخت به موقع اصل و سود مبلغ پرداختی وجود داشته باشد، نرخ ریسک نیز باید به نرخ تورم افزوده شود؛ به نحوی که نرخ سود مورد انتظار، نرخ تورم و ریسک پذیرفته شده را پوشش دهد. دلیل آن نیز این است که در غیر این صورت خریدار اوراق بهادار یا اعطاکننده تسهیلات کماکان متضرر خواهند شد.

ج) در صورتی که تورم و ریسک در اعطای تسهیلات یا خرید اوراق بهادار وجود نداشته باشند، در این صورت منطقی به نظر نمی‌رسد که اعطاکننده تسهیلات یا خریدار اوراق، وجوه خود را بدون انتظار برای مدتی در اختیار دیگری قرار دهد. لذا نرخ سود مورد انتظار علاوه بر نرخ تورم و نرخ ریسک می‌بایست حداقل نرخ سود مورد انتظار را نیز شامل شود. زیرا نرخ سود مورد انتظار برابر است با حاصل جمع سه نرخ: نرخ حداقل سود مورد انتظار، نرخ تورم انتظاری و نرخ ریسک.

### عوامل کنترل نرخ بهره

بانک مرکزی و دولت با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی سعی می‌کنند به صورت غیرمستقیم بر روی نرخ بهره تأثیرگذارند و روند آن را بر اساس برنامه‌های بلندمدت خود تغییر دهند. همان‌طور که می‌دانیم، سیاست‌های پولی، توسط بانک مرکزی در جهت کنترل نقدینگی اعمال می‌شود. بانک مرکزی سعی می‌کند از طریق اعمال این سیاست‌ها بر الگوی مصرف خانوار، تولید بنگاه‌ها و در نهایت تورم تأثیر بگذارد. ابزارهای سیاست‌های پولی عبارت‌اند از:

الف) ذخایر قانونی: بانک مرکزی با دخالت در میزان عرضه پول و اعتبار توسط بانک‌ها، می‌تواند بر حجم نقدینگی و در نهایت بر نرخ بهره تأثیر بگذارد. علاوه بر این، بانک‌ها غیر از ذخیره قانونی همواره درصدی از سپرده‌ها را در حساب‌های خود نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند.

ب) عملیات بازار باز: در این حالت بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش اوراق قرضه در بازار بر حجم اعتبارات و در نهایت بر میزان نرخ بهره تأثیر بگذارد.

ج) نرخ تنزیل مجدد: نرخ تنزیل مجدد، نرخ اسست که بانک‌های تجاری باید برای دریافت اعتبارات از بانک مرکزی به این بانک بپردازند. بانک مرکزی اعتبارات یادشده را از طریق تنزیل مجدد اوراق بهادار به بانک‌ها اعطاء می‌نماید.

ابزارهای این سیاست، صرفاً می‌توانند بر روی بخش عرضه پول و اعتبار تأثیر بگذارند. قابل ذکر است که در کشور ایران معمولاً از ابزارهای سیاست پولی مستقیم از قبیل تعیین نرخ سود و تخصیص بخشی اعتبارات استفاده می‌گردد. این امر باعث شده است تا تغییر در نرخ ذخیره قانونی هیچ‌گونه تأثیری بر روی تغییرات نرخ سود نداشته باشد. در ارتباط با عملیات بازار باز نیز در حال حاضر بانک مرکزی از طریق انتشار اوراق مشارکت از این ابزار استفاده می‌نماید. برخلاف سیاست پولی، دولت می‌تواند با سیاست مالی، بر روی هر دو بخش عرضه و تقاضای اعتبار تأثیر بگذارد. در صورتی که دولت کلیه درآمدهای خود را که ناشی از اخذ مالیات و دیگر منابع درآمدی است، هزینه ننماید، در واقع با مازاد بودجه روبه‌رو می‌شود؛ که این به معنای افزایش پس‌انداز دولت و به تبع آن افزایش نرخ بهره خواهد شد.

در مقابل، اگر دولت در نتیجه گسترش هزینه‌های خود با کسر بودجه روبه‌رو شود، این امر باعث افزایش میزان تقاضای اعتبارات در بازار و به تبع آن کاهش نرخ بهره خواهد شد.

### نظریه نظام مالی اسلامی

شیوه نظام مالی اسلامی، به عنوان روش جایگزین برای ارائه خدمات مالی معرفی شده است. در نظام مالی اسلامی، همانند سایر نظام‌ها، از ابزارهایی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها پول و بازارهای مالی است. در این نظام، واسطه‌های مالی بر اساس مقررات و چارچوب‌های حقوقی که فقه اسلامی به آن پرداخته است، وظایف خود را انجام می‌دهند. از تفاوت‌های مهم و آشکار

نظام مالی اسلامی با سایر نظام های مالی، پایه حرکت آن است. در نظام مالی مبتنی بر مکتب سرمایه داری، پایه حرکت سیستم مالی بر نرخ بهره انواع بدهی ها استوار است؛ در صورتی که با تحریم ربا در اسلام، سیستم مالی اسلامی بر پایه نرخ بازدهی از سرمایه گذاری ها - که در قالب عقود شرعی به دست می آید - منابع مالی را جذب و تجهیز می کند. در نظام مالی اسلامی، بر اساس نص صریح، ربا و عملیات ربوی تحریم شده است؛

گرچه تردیدهایی در مورد مصداق ربا و عملیات ربوی در شرایط کنونی اقتصاد جهانی - که در اکثر اقتصادها و در کل افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات وجود دارد. از سوی صاحب نظران مطرح شده است. با این حال، نظریه غالب اسلامی، بانکداری رایج در کشورهای غربی و به عبارت دیگر، شیوه بانکداری سنتی را ربوی می داند. برای تبیین بیشتر نظام مالی اسلامی، به بررسی مهم ترین عامل در نظام مالی اسلامی می پردازیم و سپس شیوه بانکداری بدون ربا را مطرح می کنیم

### مفهوم و سابقه تاریخی ربا

ربا در لغت به معنای "زیادی" آمده، به عنوان مثال در لسان العرب (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۰۴) آمده است: "والأصل الزیاده من ربا المال اذا زاد و ارتفع و نما". یعنی ربا در اصل لغت، به معنی یک نوع زیاده است که در اموال و ثروت به وجود می آید. ربا از ماده ربوه به معنی علو و ارتفاع می باشد، زیرا مال مرایی و رباخواران به دلیلی غیرموجه "یعلو علی مال غیره" بر اموال دیگر سلطه پیدا می کند. در قرآن کریم رباه این معنا در چندین موضع تصریح شده است: فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذة رابیه (در نتیجه فرستاده پروردگارشان را نافرمانی نمودند، پس خدای تعالی ایشان را به عقوبتی بس شدید بگرفت) (سوره حاقه، آیه ۱۰) مراد از رابیه، شدید است. یعنی أخذ بیشتر از اعطاء می باشد. در اصطلاح فقهی نیز به زیاده ای گفته می شود که در برخی از معاملات یا مبالغی که بیش از مبلغ قرض داد شده، گرفته می شود. ربا در نظر شرع مبین اسلام حرام و از نظر عقل باطل و از حیث اقتصادی نیز مسموم و رفتنی است. حرمت شرعی آن به دلیل کتاب و سنت و اجماع است. حرمت ربا در ادیان دیگر نیز مطرح بوده و هست. در تورات درباره رباخواری آمده است: اگر مالی را به یکی از بندگانم قرض دادی، مانند رباخواران با او برخورد مکن و از او سود مگیر (آیه ۱۵، فصل ۲۲ از سفر خروج) و به بیگانه می توانی به سود و ربا قرض دهی، اما برادرت را به سود قرض مده (آیه ۲۰، فصل ۲۳، از سفر دوم). تا آنجا که تاریخ نشان می دهد رباخواری و سودجویی از راه پول هر چند به عنوان عملی زشت و ناپسند، در میان ملل و اقوام گذشته نیز رواج داشته است. در قرون وسطی پرداخت بهره یا سود بابت وام رباخواری نامیده می شد و دریافت رباه موجب آن ممنوع بود. این ممنوعیت تا قرن ۱۳ که کلیسا حاکم بود، جریان داشت. در پایان قرن ۱۳ عوامل متعددی باعث شد نفوذ کلیسای ارتدکس ضعیف شود.

اصلاح طلبانی به رهبری لوتر و تزوینگل با اخذ بهره موافقت کردند و با کاهش نفوذ کلیسا قرض دادن با بهره قابل قبول گردید. بنابراین با شروع رنسانس در اروپا پایه های تحریم ربا سست و ضعیف گردید، چراکه تحولات صنعتی و تجاری مستلزم تأمین مالی فراوانی بود که حدود مرزی نمی شناخت. لغو ممنوعیت رباه دیگر نقاط سرایت کرد و جهان گیر شد. شاید بتوان این فراگیری را مصداقی برای این سخن پیامبر (ص) دانست که فرمود: "یاتی علی الناس زمان لایبقی احد الا اکل الربا، فإن لم یأ کله، أصابه من غباره" زمانی بر مردم خواهد رسید که هیچ کس از رباخواری سالم نمی ماند و اگر هم ربا نخورد، گردوغبار آن به او اصابت خواهد کرد (ماجلی و گلریز، ۱۳۶۳، ص ۲۰۰).

### انواع ربا در فقه اسلامی:

الف) ربای معاوضی: این نوع ربا دارای دو شرط است

۱. جنس مورد معاوضه مکمل یا موزون باشد، یعنی معیار اندازه گیری آن حجمی یا وزنی باشد.



۲. کالاهای مورد معامله هم جنس باشند.

ربای معاوضی را ندارد. یعنی در ربای قرضی فرقی بین مکیل، موزون و معدود نیست، بلکه تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است.

### ربا در قرآن

در قرآن مجید، تحریم ربا به صورت تدریجی در عین حال با شدت و تأکیدی خاص انجام یافته است. این تحریم، در چهار مرحله انجام شده است:

الف) در آیه ۳۹ از سوره روم در تنها آیه مکی که درباره ربا می‌باشد (سایر آیات مربوط به ربا همه مدنی هستند به صورت یک پند اخلاقی از ربا سخن به میان آمده است و با سبک بسیار جالبی همین قدر بیان شده که رباخواری در پیشگاه الهی کار پسندیده و مقبولی نیست و ما آیتیم من ربا الیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آیتیم من زکوه تردیدون وجه الله فاولئک هم المضعفون". یعنی مالی که به ربا می‌دهید (از نضر افراد کوتاه بین)، ممکن است زیاد گردد، اما در پیشگاه خداوند چیزی بر آن افزوده نخواهد شد.

ب) در مرحله دوم از رباخواری بدین صورت یاد می‌شود که ضمن انتقاد از عادات و رسوم ناشایست و غلط یهودیان به عادت رباخواری آن‌ها اشاره شده و به شدت تقبیح می‌گردد.

ج) تحریم نهایی رباخواری در آیات ۱۳۲-۱۳۰ سوره آل عمران اعمال شد. ای گروه مؤمنان ربا و سود پول را چند برابر نخورید و تقوای الهی داشته باشید تا رستگار شوید. از آتشی که برای کافران آماده شده، بپرهیزید و از خدا و فرستاده او اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید.

د) در مرحله چهارم با یک فرمان اکید الهی در آیات ۲۸۰-۲۷۸ بقره هرگونه رباخواری تحریم گردید و حرمت ربا در زمره قوانین ابدی و جهانی اسلام وارد شد.

### فلسفه و ملاک تحریم ربا

۱. اصطلاح معروف: یکی از اصول اساسی در اسلام مسائل اخلاقی است. اسلام در عین تجویز سرمایه‌داری، از ربا منع نموده است. زیرا در اسلام، عدالت و توجه به اصول اخلاقی، از اصول اساسی اجتماعی محسوب می‌گردد. بدین لحاظ هر چند قرض دادن واجب نیست، اما نسبت به قرض الحسنه، تأکید بسیاری شده و زمینه آن را فراهم ساخته است. این زمینه سازی از طریق تحریم قرض ربوی و وجوب زکات بر ذخیره سازی پول صورت پذیرفته است. خدا ربا را حرام کرده و این راه را بسته تا مردم از طریق قرض الحسنه برای یکدیگر کارگشایی کنند نه از طریق ربا (مطهری، ۱۳۷۸، صص ۱۶۳-۱۶۴)

۲. ماهیت قرض: ربا قرض است و قرض نمی‌تواند سود داشته باشد، زیرا طبیعت قرض تملیک است به ضمان. یعنی قرض دهنده مال خودش را تملیک می‌کند به قرض گیرنده و عهده قرض گیرنده را مدیون خودش قرار می‌دهد. یعنی از همان ساعتی که تملیک نمود، وجود عینی آن مال، ملک قرض گیرنده است، نه ملک قرض دهنده. بنابراین مال اگر سود و زیانی داشته باشد، از مقرض نیست و بر عهده قرض گیرنده است، یعنی از ملک قرض دهنده خارج و در ملک قرض گیرنده وارد شده است (مه‌دوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹).

۳. ظلم و انظلام: هدف یک جامعه اسلامی پیاده کردن قسط و عدالت است. بنا به گفته امیر مؤمنان "العدل، حیات الأحکام" زمانی احکام خدا پیاده میشود که عدالت در آن پیاده شده باشد. شهید صدر استنباط فوق العاده جالب و آموزنده‌ای دارند و آن

اینکه حلال و حرام را چیزی جز عدالت اجتماعی نمی دانند. بنابراین در نفی ربا باید حتماً یک عدالت اجتماعی ببینیم. از جمله "لا تظلمون ولا تظلمون" که به صورت دو فعل معلوم و مجهول یا خطاب به قارض و مقروض است و با حرف نفی آمده، چنین استفاده می گردد که به قارض یا فروشنده برسد، به دلیل اینکه باید به اصل مالش برسد و نه ظلم به مشتری شود. اما اگر مسئله ربا انجام می گرفت و قارض زیادتر می گرفت، ظلم به مقروض می شود (ابراهیمی ۱۳۷۲، صص ۱۱۳-۱۱۲)

اسلام در مواردی که ربا را تحریم کرده، تعبیر "لا تظلمون ولا تظلمون" را آورده و نیز در مواردی که ربا را تجویز نموده و از حکم کلی ربا مستثنی ساخته است. بنابراین حرمت ربا "لا تظلمون و لا تظلمون" بوده و بر همین مناسبت که حیل ربا به طور مطلق تحریم شده است، گو اینکه با وقوع حیل شرعی ربا صورت معامله تغییر می کند. اما به دلیل بقای مناط و ملاک حرمت و ثبات ماهیت اصلی معامله حکم حرمت کماکان باقی می ماند. بنابراین وقوع ظلم خود ملاکی دیگر در ربوی بودن معاملات و پرداختها می باشد که از آیه مذکور استنباط می گردد. ربا مصداق واقعی ظلم است و ظلم هم حرام است، پس ربا حرام است (تفسیر المیزان، جلد ۳، ص ۴۲۳).

### معرفی شیوه بانکداری بدون ربا

چنانچه وامها و سپرده های قرض الحسنه و عقود غیر مشارکتی را در نظر بگیریم، در تعریف کوتاه بانکداری اسلامی می توان گفت که شیوه ای از بانکداری است که مبتنی بر تسهیم سود و زیان بین طرفین مبادله می باشد. بیش از هشتاد سال از تأسیس اولین بانک ایرانی و نزدیک به هفتاد سال از تصویب قانون بانکی و پولی کشور (مصوب ۱۳۱۵) می گذرد. نکته حائز اهمیت در خصوص شیوه فعالیت بانکها در کشور، اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، از ابتدای سال ۱۳۶۳ است. با مطالعه مبانی نظری بانکداری بدون ربا، سه ویژگی عمده در آنها مشاهده می شود:

اول، عقد مضاربه، عقد غالب در بانکداری اسلامی است. به عبارت دیگر کلیه نیازهای اشخاص حقیقی و حقوقی به وسیله عقد مضاربه قابل تأمین است.

دوم، در بانکداری اسلامی ترسیم شده، نحوه عمل بانکداری به نحوی است که سیاست پولی وجود دارد. به عبارت دیگر، بانک واسطه وجوه معرفی شده است و می تواند از طریق کاهش یا افزایش حجم پول (همانند سیستم سرمایه داری در فعالیت اقتصادی اثر بگذارد.

سوم، سپرده گذاران مشمول سپرده قانونی است. اگر بانکهای مبتنی بر بهره به دلیل قدرتی که به آنها در مورد خلق پول داده شده است، برای کنترل حجم پول از طرف بانک مرکزی شان) موظف به نگهداری سپرده های قانونی هستند. به این علت که بانکها واسطه وجوه هستند و تولیدشان «پول» است و برای اینکه در تولید این کالا افراط نشود، سپرده قانونی و سیله ای برای کنترل آن است.

### معیار جایگزینی نرخ بهره

در نظام مالی اسلامی - که به دلیل حذف نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده، فاقد ابزارهای بدهی است (به جز وام و سپرده قرض الحسنه) - تأمین مالی از طریق سهام تنها راه تأمین سرمایه مالی است و به این دلیل، نظام مالی مبتنی بر سهام می باشد. در حال حاضر، در کشور نرخ سود علی الحساب انواع سپرده های سرمایه گذاری و تسهیلات اعطایی بانکها به بخش های اقتصاد، به عنوان مبنایی برای ارزیابی طرح های سرمایه گذاری، توسط سیاست گذار تعیین می گردد. در واقع، سیاست گذار با توجه به میزان تقاضا برای وجوه - که ناشی از انتظارات متقاضیان تسهیلات از بازدهی طرح سرمایه گذاری است. و میزان عرضه وجوه توسط پس انداز کنندگان - اقدام به تعیین نرخ های علی الحساب می نماید.

### شبهه ربوی بودن معاملات بانکی

یکی از مشکلات بانکداری کنونی، عملکرد صوری و غیرواقعی بسیاری از بانک‌هاست. بانک‌ها در ابتدا ناگزیر بودند که به شکل بانک‌های سنتی عمل کنند و همان خدمات را ارائه دهند تا ثابت کنند که عملیات بانکی می‌تواند بدون بهره ربوی نیز انجام شود، اما با گسترش این بانک‌ها و تثبیت جایگاه آن‌ها، می‌توانند با تغییراتی در نحوه ارائه خدمات این مشکلات را حل کنند. متأسفانه به دلیل تعدد عقود و پیچیده بودن نحوه عملکرد این عقود، اجرای درست و کامل آن‌ها نیاز به آموزش کارکنان را می‌طلبد که این خود فرایندی هزینه‌بر است، چراکه اگر کارکنان بانک‌ها نتوانند مشتریان را به درستی راهنمایی کنند، باعث صوری شدن بسیاری از قراردادهای خواهد شد. علاوه بر صوری شدن بخشی از معاملات، رشد کمی عقود مبادله‌ای که ماهیتی شبیه وام و اعتبارات ربوی دارند، اعلام نرخ سود علی‌الاصح در ابتدای دوره و اعطای همان نرخ به عنوان سود تحقق یافته برای سپرده‌ها، صحبت از بالا و پایین بردن سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری درحالی‌که در بانکداری بدون ربا سود سپرده‌ها تابع سوددهی نظام بانکی است که در آخر دوره مالی مشخص می‌شود. از جمله مواردی که می‌توان اشاره کرد، استفاده از عقد جعاله است که در جهت تعمیر مسکن ارائه می‌شود. درحالی‌که بانک که عامل جعاله است، تنها به مراجعه‌کننده پول می‌دهد که خود او اقدام به تعمیر مسکن کند.

این اقدام در واقع جعاله نیست و در مواردی نیز بدون اینکه گیرنده پول، صاحب مسکن باشد و یا اینکه مسکن او نیاز به تعمیر داشته باشد، پول را برای هدف دیگری به کار می‌اندازد. در عقد سلف نیز بانک خود فروشنده کالا را از طرف خود وکیل می‌کند که کالا را به قیمت معین بفروشد و اگر بیشتر فروخت، از آن خود فروشنده است. این باعث شده بانک در تعیین قیمت خرید سلف و با فروش سلف از قیمت‌های واقعی چشم‌پوشد و آن‌ها را طوری تنظیم کند که به سود موردنظر برسد که این علاوه بر شبهه موجب عدم کارایی سلف خواهد شد. لذا در بانکداری اسلامی بایستی مشتری و بانک دقیقاً متوجه ماهیت عقد بوده و آن را انجام دهند. در غیر این صورت عقد باطل شده و آثاری بدتر از ربا خواهد داشت. همچنین ارائه پیش‌فاکتورهای جعلی در عقود مضاربه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک برای دریافت تسهیلات بانکی، و عمل برخلاف مقتضای عقد و نتیجه قهری آن، ارائه سفته صوری در خرید دین درحالی‌که خرید دین محقق نشده است، مشروعیت ندارد و بانک‌ها بدون بررسی و اطمینان کامل از واقعی بودن اسناد ارائه شده و دین مندرج در آن‌ها، به انجام عقد خرید دین اقدام کرده‌اند، سبب شده است تا مشروعیت کل فرایند مورد سؤال قرار گیرد. مورد دیگر اینکه در نظام بانکداری بدون ربا باید سود سپرده‌ها در آخر دوره مالی مشخص شود و در حقیقت یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری اسلامی با بانکداری مبتنی بر بهره، آن است که در نظام بانکداری مبتنی بر بهره، نرخ بهره، میزان عایدی فرد سپرده‌گذار را بر اساس درصدی از سپرده و مدت زمان سپرده‌گذاری شده، تعیین می‌کند؛ زیرا از همان ابتدا که صاحبان منابع مالی مازاد، به بانک مراجعه می‌کنند، مشخص می‌شود که به‌طور تضمینی در سررسید، چقدر عایدی بهره به آنان تعلق می‌گیرد. اما در بانکداری بدون بهره فقط سهم سود صاحب سرمایه مشخص، و سود در انتهای کار، و پس از حسابرسی سود و زیان پروژه تعیین می‌شود؛ بنابراین درحالی‌که در طرف تجهیز منابع در عملیات بانکی با بهره، نوعی تضمین وجود دارد، در عملیات بانکی بدون بهره که با سرمایه‌گذاری و تولید سروکار می‌یابد، عدم تضمین و عدم اطمینان، جزء ذاتی آن است. حال اگر در نظام بانکی بدون بهره در طرف تجهیز منابع، نرخ سود را به نوعی تضمین کنیم یا نرخ سود علی‌الحسابی پردازیم که تضمین عملی داشته باشد، عملکرد طرف تجهیز منابع در بانکداری با بهره و بدون بهره مشابه خواهد بود.

پول از منظر فقهی

اگر بپذیریم پول، حکم کالا را دارد، در آن صورت تمام احکام حقوق کالا از قبیل تملیک و تملک به نقل و انتقال ذمه یا ضمان به پول نیز تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر خود پول از نظر فقهی بیان کالا متعلق مالکیت و نقل و انتقال واقع می‌شود. زیرا کلیه احکام کالا به جهت مالیت کالا است و از نظر فقها پول و حتی پول‌های اعتباری، مال است. پول چنانچه قرض داده شود، دقیقاً مثل کالا عین آن تملیک می‌شود و ملیت آن به ذمه منتقل می‌گردد. در پول، مانند کالا جنبه عینی و جنبه مالیت و ارزش آن هر دو ملحوظ است. این مطلب در پول‌های حقیقی، واضح و روشن است، زیرا پول حقیقی، خود از کالای حقیقی، همچون طلا یا نقره تشکیل شده که ارزش آن قائم به عین است. پول اعتباری از نظر فقهی مال مثلی است. از این رو ضمان آن نیز مثلی است. بنابراین چنانچه شخصی یک اسکناس هزار ریالی از کسی تلف کند، باید در عوض آن هزار ریال به او مسترد دارد. همچنین اگر هزار ریال به دیگری بدهکار شود، باید معادل همان هزار ریال را به او پرداخت نماید. بنابراین از این دیدگاه پول اعتباری نوعی مال مثلی است که قدرت خرید آن موضوع و مقوم مثلیت آن است. از این رو اگر این مال مثلی قرض داده شود، هنگام بازپرداخت باید مقوم آن یعنی قدرت خرید آن حفظ شود، یعنی کاهش قدرت خرید جبران گردد. البته فرض کالا بودن پول، دارای اشکالاتی نیز هست. اول اینکه قدرت خرید از عوارض و حالات پول است، نه از مقومات پول. زیرا هنگامی که فردی مقداری پول اعتباری قرض کرد، در عرف گفته نمی‌شود او قدرت خرید قرض کرده است. دوم، اگر فایده پول اعتباری در قدرت خرید آن منحصر باشد و همین امر ایجاب می‌کند که قدرت خرید موضوع و مقوم این مال مثلی یعنی پول اعتباری باشد و جبران کاهش قدرت خرید را موجه شمارد، در مورد سکه و نقره نیز قدرت خرید موضوع و مقوم آن است و کاهش ارزش آن بایستی جبران شود. (میرجلیلی و نظری، ۱۳۸۲، صص ۳۲۳-۳۲۴).

### تورم و کاهش ارزش پول

در نظام جدید پولی، وجود تورم اجتناب ناپذیر است. اقتصاددانان تورم را افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها می‌دانند به عبارت دقیق‌تر، تورم متوسط افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها چیزی جز کاهش ارزش پول نیست. عوامل متعددی بر کاهش ارزش پول و افزایش سطوح عمومی قیمت می‌توان برشمرد که در این نوشته مجال پرداختن به آن نیست، اما یک نکته مسلم و حائز اهمیت است که در بلندمدت مهم‌ترین عنصر افزایش حجم پول در گردش، عامل اصلی افزایش عمومی سطح قیمت‌هاست (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۸۷).

### نظریه جبران کاهش ارزش پول

همچنان که می‌دانیم، ربا عبارت است از پرداخت هرگونه زیادتی ثابت و از قبل تعیین‌شده بر اصل پول قرض گرفته‌شده. با عنایت به این واقعیت که ملاک و مناط حرمت ربا، ظلم و انظلام است، می‌توان گفت، جبران کاهش ارزش پول قرض داده شده توسط قرض گیرنده مصداق ظلم نبود، بلکه مطابق با عدالت و انصاف می‌باشد. در مقابل، عدم جبران آن نیز نوعی ظلم توسط قرض گیرنده به قرض دهنده است. دلیل اصلی این مدعا به انگیزه اساسی از نگهداری پول برمی‌گردد، زیرا قدرت خرید پول تنها وجه رغبت و تمایل مردم در تقاضا و نگهداری پول بوده و تنها معیار برای ارزش گذاری پول است. تبیین استدلال بر مدعای فوق، به شرح زیر است:

اول، شرط تحقق ربا، اشتراط زیادت بر اصل پول در هنگام بازپرداخت است.

دوم، اساس مبادلات باید بر پایه عدل و عدم ظلم باشد.

سوم، در شرایط تورمی، ارزش پول و قدرت خرید آن کاهش می‌یابد.

چهارم، رعایت عدالت در معامله اقتضاء می‌کند، ارزش پول قرض دهنده در هنگام بازپرداخت، با ارزش آن در هنگام قرض مساوی باشد.

پنجم، معیار تحقق ربا، ظلم است

ششم، زیادتی که جهت جبران کاهش ارزش پول در نظر گرفته می‌شود، ظلم محسوب نمی‌شود.

شهید مطهری در کتاب عدل الهی، سه تعریف یا برداشت گوناگون را از عدالت بیان می‌کند. در تعریف نخست، عدالت به معنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزاء یک مجموعه مرکب است. مفهوم مخالف عدالت در این تعریف بی‌تناسبی است نه ظلم. در واقع حسن تناسب و ترکیب اجزاء یا یک مجموعه، نشان‌دهنده رعایت عدالت در ساختار و ترکیب آن است. تعریف دوم، عدالت رعایت مساوات بین افراد است هنگامی که استحقاق‌های مساوی دارند. کاربرد این تعریف، ضمن توزیع امتیازات میان افراد مستحق معلوم می‌شود و مفهوم مخالف عدالت در این تعریف تبعیض است. نمونه‌های این نوع عدالت و یا تبعیض مواردی همچون استخدام، ارتقاء، انتصاب و دادن جایزه و پاداش و اجازه ورود و مشارکت می‌باشد. تعریف سوم، عدالت عبارت است از رعایت حق و دادن پاداش و امتیاز بر اساس حق مشارکت‌کنندگان در یک فعالیت. فرمایش حضرت علی (ع) *العدالة اعطاء كل ذي حق حقه*، دادن حق هر حق‌داری مصداق این عدالت است. به نظر شهید مطهری، این تعریف از عدالت بیان‌کننده عدالت اجتماعی است و آرمان‌های عدالت خواهانه از این مفهوم نشئت می‌گیرد. ظلم مفهوم مخالف همین تعبیر از عدالت است (صدر، ۱۳۷۴، صص ۳۲۵-۳۲۸).

تعبیر دیگری که در معارف اسلامی از مفهوم عدالت شده، اقتصاد و قصد است. هر دو واژه به معنای رعایت حد وسط و اعتدال است. دوری از افراط و تفریط و داشتن اعتدال، رعایت نوعی تناسب و توازن میان طیفی از انتخاب‌ست که افراد یا گروه‌های یک جامعه در مواقع تصمیم‌گیری با آن‌ها مواجه‌اند (صدر، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶). با ملاحظه آیات، روایات و شرایط انواع مبادلات در فقه ملاحظه می‌شود که یک اصل کلی بر همه آن‌ها حاکم است. در واقع یک اصل کلی همانند یک ریسمان همه آن‌ها را به هم مربوط می‌سازد و آن اصل، رعایت انصاف، عدالت و عدم ظلم به هریک از طرفین مبادله می‌باشد. این اصل هم از آیات و اخبار قابل استنباط است و هم به وسیله عقل و اجماع. شاید بتوان ادعا نمود بدیهی‌ترین اصل از اصول موضوعه به احکام و مقررات دینی، همین اصل است.

### تعیین نرخ سود در نظام بانکداری بدون ربا

در حال حاضر بر اساس ماده ۳ آئین‌نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا، با تصویب شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی اقدام به تعیین حداقل نرخ سود (بازده احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و همچنین تعیین حداقل و یا در صورت لزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی می‌نماید. همچنین بر اساس بند ۷ ماده ۳، بانک مرکزی حداکثر میزان حق الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کند. بر این اساس بانک مرکزی که در هر دوره نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری را برای سپرده‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت (یک ساله، دو ساله، سه ساله، چهار ساله، پنج ساله) تعیین می‌نماید، و در کنار این امر، نرخ سود تسهیلات مورد انتظار را در بخش‌های صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، بازرگانی و خدمات، و صادرات را با نظر شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نرخ تورم به‌جز سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و تا حدودی ۱۳۸۵ | همواره بیش از نرخ سود سپرده‌گذاری یک‌ساله بوده است. به این ترتیب سپرده‌گذاران عملاً در نتیجه سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها متضرر شده و قدرت خرید

سپرده های خود را از دست داده اند. همچنین برای سپرده های کوتاه مدت در تمامی سال ها این حالت اتفاق افتاده است، ولی وضعیت برای سپرده های بلند مدت بهتر است، و به غیر از سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، نرخ سود واقعی برای این نوع سپرده مثبت بوده است. در ظاهر شیوه عمل تعیین نرخ های سود بر اساس رابطه زیر تعیین گردیده است: نرخ سود سپرده = نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات - کارمزد + هزینه های ریسک + سود بانک) فرض بر این است که در بانکداری بدون ربا، رابطه فوق بین نرخ سود سپرده ها و نرخ سود تسهیلات پس از تعیین سود قطعی بانک برقرار است. لذا بر این اساس نرخ های سود سپرده ها بر اساس شاخص های مرتبط که مهم ترین آن ها تورم است، تعیین می شود. سپس با محاسبه متوسط وزن هزینه سود پرداختی بانک ها روی سپرده ها و به علاوه نمودن هزینه ها عملیاتی و کارمزد بانک، متوسط نرخ تسهیلات و در نهایت انواع نرخ های تسهیلات و نرخ های سود در هر بخش از اقتصاد را به دست می آورند. اما به نظر می رسد تحقق سود تسهیلات اعطایی شکل پیچیده تری دارد. از رابطه مربوط به تعیین نرخ سود سپرده ها می توان نتیجه گرفت: نرخ سود مورد انتظار تسهیلات = نرخ سود سپرده + نرخ ریسک + نرخ کارمزد و سود در بین عوامل سه گانه فوق، محاسبه نرخ ریسک دارای پیچیدگی خاصی است. ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی با توجه به نوع تسهیلات، مورد مصرف، نوع صنعت و اثر متغیرهای اقتصادی بر چشم انداز آتی صنعت مورد نظر، شخصیت و ظرفیت استفاده کننده از تسهیلات، نوع وثیقه های گرفته شده، مدت استفاده از تسهیلات و زمان بازپرداخت، روند گذشته وضعیت بازپرداخت تسهیلات و سایر عوامل مؤثر، ممکن است بسیار پایین و در حد صفر تلقی و یا بسیار بالا برآورده شود؛ به نحوی که به تسهیلات مورد نظر جزو مطالبات غیر قابل وصول و سوخت شده طبقه بندی گردد. در این صورت اثر نرخ ریسک به عنوان یکی از عوامل تعیین نرخ سود مورد انتظار تسهیلات تعیین کننده است. به این ترتیب تحقق نرخ سود مورد انتظار بانک ها مستلزم آن است که تعیین نرخ سود مبتنی بر ریسک باشد و هنگام اعطای تسهیلات در هر مورد نرخ سود متناسب با نرخ ریسک تعیین گردد. در کشور ما، نرخ سود سپرده های بانکی و نیز تسهیلات اعطایی، توسط شورای پول و اعتبار تعیین و از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به سیستم بانکی ابلاغ می شود و بر اجرای آن نظارت می شود. نرخ های اعلام شده عملاً غیر قابل انعطاف است و بانک ها موظف به مراعات آن هستند. اعمال سیاست های پولی و نحوه نظارت بر عملیات سیستم بانکی کشورمان به گونه ای که پوشش ریسک از طریق تغییرات نرخ سود عملی نیست. شورای پول و اعتبار در جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی نرخ سود تسهیلات بانکی را به نسبتی که حمایت از فعالیت های هریک از بخش های مختلف اقتصادی صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، صادرات، بازرگانی و خدمات ایجاد می کند، تعیین می نماید.

صرف نظر از تحقیقاتی که دانشکده های مالی اداری دانشگاه های کشور به طور اعم و در مؤسسه عالی بانکداری ایران به طور اخص، در خصوص ارزیابی ریسک عدم بازپرداخت انواع تسهیلات به طور پراکنده صورت گرفته، سیستم بانکی کشور این موضوع را به طور جدی و به صورت عملی مورد توجه قرار نداده است. نظر به ساختار اقتصادی کشور که در حال حاضر دوران توسعه اقتصادی را پشت سر می گذارد و زیرساخت های اقتصادی در حال شکل گیری و تکمیل هستند، بخش تولید در بسیاری از زمینه ها کماکان از بازده مطلوبی برخوردار نیست و سرمایه گذاری در بخش خدمات و بازرگانی دارای ریسک کمتر و بازدهی بیشتری است. علاوه بر این دوره بازیافت سرمایه در بخش های تولیدی به مراتب طولانی تر از بخش خدمات و بازرگانی است و این موضوع به ویژه در شرایط عدم ثبات اقتصادی حائز اهمیت است؛ چراکه سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در بخش های زودبازده تمایل بیشتری نشان می دهند. نگاهی به تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال های گذشته نیز مؤید آن است که تسهیلات اعطایی در بخش های خدمات و بازرگانی به نسبت کل تسهیلات اعطایی با مطالبات سوخت شده کمتری مواجه شده است. به عبارت دیگر نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق نسبت به تسهیلات اعطایی در بخش خدمات و بازرگانی در مقایسه با سایر بخش های اقتصادی (به جز مسکن که از وضعیت خاص برخوردار است) کمتر بوده است. به این ترتیب علی رغم

اینکه اعطای تسهیلات در بخش خدمات و بازرگانی می‌بایست به علت داشتن ریسک کمتر با سود انتظار کمتری همراه باشد، بیشترین نرخ سود تسهیلات مربوط به این بخش است (۲۲ الی ۲۵ درصد).

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و کشاورزی به دلایل عنوان شده در بالا با ریسک بیشتری مواجه است. آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نیز نشان می‌دهد که ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی در این بخش‌ها بیشتر از بخش خدمات و بازرگانی است، اما ملاحظه می‌شود که نرخ سود تسهیلات اعطایی مربوط به آن‌ها کمتر تعیین گردیده است (۱۳ الی ۱۷ درصد).

این تفاوت نرخ سود با توجه به الزامات و وضعیت اقتصادی کشور و لزوم حمایت از بخش تولید به‌عنوان جزئی از برنامه کلان اقتصادی لحاظ گردیده که جهت گذر موفقیت از دوران توسعه اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد؛ اما اعمال سیاست‌های اقتصادی از طریق محدودیت نوسانات نرخ سود و تبع آن عدم تناسب ریسک با سود مورد انتظار، سیستم بانکی را با مشکلاتی مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد تأمین بودجه از محل درآمد عمومی به‌منظور جبران مابه‌التفاوت مربوط به تفاوت سود مورد انتظار با سود تعیین‌شده، راهکار مناسبی در این زمینه باشد. به‌این ترتیب، پایین‌تر بودن نرخ سود تسهیلات در بعضی از بخش‌های اقتصادی نسبت به سود سپرده‌ها که باعث تصمیم‌گیری‌های غلط فعالان اقتصاد می‌شود، دارای اهمیت خاصی است. برای مثال در چند سال گذشته (برای مثال در سال ۱۳۸۲) نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی ۱۳۵ درصد و نرخ سود سپرده‌های بلندمدت پنج ساله ۱۷ درصد بوده است. این امر باعث شده بود افراد تا حد اکثر ممکن به دنبال استفاده از تسهیلات بخش کشاورزی بوده، و با سپرده‌گذاری آن از ۴ درصد مازاد سود مربوطه منتفع شوند. در سال ۱۳۸۵ که دولت نرخ سود تسهیلات تمامی بخش‌ها را یکسان نموده، همچنان در تمامی این بخش اختلاف ۲ درصدی بین نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده بلندمدت پنج ساله دیده می‌شود. در نرخ‌های موصوب شورای پول و اعتبار، دامنه تغییرات نرخ سود در یک بخش اقتصادی مختصر و در سال‌های اخیر تا ۳ درصد بوده است. در دیدگاه حاکم بر تعیین دامنه یاد شده به لزوم حمایت از نوع فعالیت مرتبط با تسهیلات اعطایی توجه شده و مدت استفاده از تسهیلات جهت اجرای طرح‌های تولیدی در بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی که بلندمدت هستند، معادل حداقل نرخ سود در آن بخش منظور شده است. در حالی که نرخ سود تسهیلات سرمایه در گردش در بخش‌های مذکور که به صورت کوتاه‌مدت است، معادل حداکثر نرخ سود در آن بخش مدنظر قرار گرفته است. تعیین نرخ سود بر ترتیب فوق، منجر به این شده است که نرخ سود تسهیلات کوتاه‌مدت بیشتر از نرخ سود تسهیلات بلندمدت گردد. در حالی که دوره بازایافت بیشتر عملاً ریسک بیشتری در بردارد و سود مورد انتظار بیشتری طلب و تسهیلات کوتاه‌مدت با دوره بازایافت کمتر می‌بایست با نرخ سود کمتری همراه باشد. همچنان که نرخ سود بین‌بانکی بازارهای پولی دنیا نظیر **Libor** نیز از چنین قاعده‌ای پیروی می‌کند.

با توجه به اینکه تأکید دولت بر لزوم کاهش نرخ سود بانکی طی دو سال گذشته باعث شده است که حداقل در ظاهر این اختلاف چند درصدی بین نرخ سود بانکی و نرخ سود تسهیلات از بین برود و دیگر کسی نتواند از این موقعیت منتفع گردد. نگاهی به بازار غیررسمی پول، عدم تناسب نرخ سود تسهیلات بانک‌ها با نرخ سود مورد انتظار بازار را ملموس‌تر می‌سازد. بازار غیررسمی پول و سرمایه ایران علی‌رغم گستردگی آن از انسجام خاصی برخوردار نیست و نرخ سود بازار غیررسمی با دامنه تغییرات فاحش همراه است. با توجه به فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری به‌ویژه در بخش بازرگانی، عرضه‌کنندگان پول سود مورد انتظار خود را با فرصت یاد شده مقایسه می‌کنند و ضمن ارزیابی ریسک مربوط به لحاظ کردن میزان ریسک‌پذیری خود سودهای مورد انتظار متفاوتی را مطالبه می‌کنند. با وجود این، کمترین ریسک در بازار غیررسمی مربوط به نرخ سودی است که بنگاه‌های معاملات املاک و مستغلات برای مبالغ رهن و اجاره موردنظر قرار می‌دهند و در معاملات اعمال می‌نمایند. نرخ

مذکور در دهه اخیر ماهیانه به ازای هر ده میلیون ریال، ۲۵۰۰۰۰۰ ریالی الی ۳۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است که معادل نرخ سود مورد انتظار ۳۰ الی ۳۶ درصد در سال می‌گردد. نرخ سود مذکور در همه سال‌ها از بیشترین نرخ سود تسهیلات بانکی (۲۵ درصد در سال) نیز حداقل ۵ درصد بیشتر بوده است. به این ترتیب، تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی که با بیشترین سود مورد انتظار همراه بوده، از ارزان‌ترین منابع مالی بازار غیررسمی نیز ۵ درصد در سال ارزان‌تر بوده است. صفوف طولانی متقاضیان تسهیلات بانکی به‌ویژه جهت استفاده از تسهیلات در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن و ساختمان معلول تفاوت نرخ مذکور است. چنانچه از جدول سود واقعی سپرده‌های بانکی نیز برمی‌آید، بالاترین نرخ سودی که بانک‌های تجاری ما در سال‌های مورد مطالعه (۱۳۸۵ - ۱۳۷۲) به سپرده‌گذاران پرداخته‌اند، پایین‌تر از نرخ تورم بوده است. و به همین دلیل مدت‌هاست که مورد اعتراض سپرده‌گذاران قرار دارد. شکایت سپرده‌گذاران با توجه به کاهش مداوم قدرت خرید پول کالا مواجه است. زیرا افزایش سریع قیمت‌ها در چند سال اخیر، نرخ حقیقی سود بانکی را منفی ساخته است. تنها قدرت خرید سود نیست که کاهش می‌یابد، بلکه قدرت خرید اصل سپرده‌ها نیز تحلیل می‌رود. از سوی دیگر کسانی که از تسهیلات بانکی استفاده می‌کنند، علاوه بر به‌کارگیری وجوه مربوطه به عملیات سودآوری از مابه‌التفاوت نرخ تورم و نرخ کارمزد یا سود بانکی نیز بهره‌مندی کردند. بانک‌های تسهیلات دهنده نیز به‌جای کسب درآمد با زبانی که ناشی از کاهش ارزش تسهیلات پرداختنی است، مواجه می‌گردند. ولی تنها سپرده‌گذاران نیستند که از این وضع ناخرسند و خواستار افزایش نرخ سود بانکی‌اند، گروهی از اقتصاددانان نیز نرخ فعلی سود بانکی را برای سپرده‌گذاران ناعادلانه و برای اقتصاد کشور زیان‌آور می‌دانند. از سوی دیگر توزیع درآمد نیز در حساسیت پس‌انداز به نرخ سود مؤثر است. در جوامعی که توزیع درآمد متمرکز باشد، یعنی فاصله بین درآمد اکثریت مردم با درآمد آن دسته از اقلیت که دارای درآمد بالا می‌باشند، زیاد باشد، حساسیت پس‌انداز به نرخ سود در سطح کلان ضعیف است و این کیفیت را می‌رساند که عکس‌العمل یا حساسیت پس‌انداز تنها معلول درآمد و نرخ حقیقی سود بلکه توزیع درآمد هم در این حساسیت نقشی دارد (موسایی، ۱۳۷۶، صص ۸۸-۸۹). از زمانی که دولت‌ها این اجازه را یافتند که پول بدون پشتوانه مشخص منتشر کنند، در واقع توانسته‌اند به راحتی دست در جیب آحاد ملت خود کرده و مقداری از دارایی واقعی آن‌ها را کاهش دهند. این کاهش قدرت خرید البته مختص کسانی است دارایی‌شان به صورت پول نقد است و ثروتمندان و طبقات بالای درآمدی که معمولاً دارایی‌های خود را به صورت املاک و دارایی‌های غیرمنقول نگهداری می‌کنند، از این دستبرد دولت‌ها نه فقط معاف هستند، بلکه از این وضعیت به علت افزایش قیمت دارایی‌شان منتفع می‌شوند. آیا واقعا دولت‌ها باید از لحاظ حقوقی چنین اجازه‌ای را داشته باشند؟ این مسئله‌ای است که از لحاظ حقوقی قابل تأمل و بحث فراوان است. در واقع دارندگان پول مانند پس‌انداز کنندگان و حقوق‌بگیران، صاحب نوعی از دارایی هستند که اختیار حفظ آن را ندارند و به عبارت دیگر اسکناس و پول‌های تحریری مانند اسبی می‌ماند که افسارش در اختیار صاحبش نیست و در اختیار دولت‌هاست. در صورتی که دارندگان پول‌های گذشته (دینار و درهم) مالکیت‌شان بر دارایی‌شان محفوظ و محترم بود. به هر حال این وضعیت است که اقتصاد عصر حاضر به آن گرفتار است. در چنین شرایطی با توجه به تعریف سنتی ربا که هرگونه جبران ارزش سپرده و پس‌اندازها را ممنوع می‌داند، علاوه بر اینکه به‌طور مرتب ارزش دارایی نقدی افراد کاهش می‌یابد، در پرداخت‌ها و دریافت‌های مدت‌دار نیز معمولاً نمی‌توان قسط و عدالت را رعایت نمود. مبادلات مدت‌دار به مبادلات جزافی غرری تبدیل می‌شوند که در اسلام مورد تحریم قرار گرفته‌اند (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

از مجموع مباحث فوق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که عدم جبران کاهش ارزش پول، با در نظر گرفتن ملاک تحریم ربا (یعنی جلوگیری از ظلم و انظلام به گونه‌ای که نه به قرض دهنده ظلم شود، نه به قرض گیرنده) مصداق عملی ظلم است و روا نمودن ظلم، بر اساس ادله اربعه (نص صریح آیات قران کریم، اخبار، عقل و اجماع)، مذموم و نکوهیده بوده و در مقابل، رعایت عدالت و انصاف و نیز جلوگیری از اجحاف و تعدی و همچنین رسیدن هر ذی‌حقی به حق خود، یک قاعده و اصل مسلم در فقه



اسلامی است. این اصل در کلیه معاملات ساری و جاری است. قید ناحق و یا ظالمانه بودن در تعریف ربا، جبران کاهش ارزش پول در قرض را از مصداق ربا، خارج می‌کند، زیرا ملاک و مناط حرمت ربا، همان‌طور که بیان شد، ظلم و انظلام است و جبران کاهش ارزش پول قرض داده‌شده توسط قرض گیرنده به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است و عدم جبران آن نیز نوعی ظلم توسط قرض گیرنده به قرض دهنده است. بنابراین با استناد به تعریف ربا، تفاوت‌های پول‌های قدیم و پول‌های جدید و دلایل مذکور، می‌توان بر لزوم جبران کاهش ارزش پول خصوصاً در دیون و معاملات مدت‌دار تأکید نمود.

۱- نرخ تورم به‌جز سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و تا حدودی ۱۳۸۵ همواره بیش از نرخ سود سپرده‌گذاری یک ساله بوده است. به‌این ترتیب سپرده‌گذاران عملاً در نتیجه سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها متضرر شده و قدرت خرید سپرده‌های خود را از دست داده‌اند. همچنین برای سپرده‌های کوتاه‌مدت در تمامی سال‌ها این حالت اتفاق افتاده، ولی وضعیت برای سپرده‌های بلندمدت بهتر است، و به‌غیر از سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، نرخ سود واقعی برای این نوع سپرده مثبت بوده است.

۲- نرخ بهره واقعی تسهیلات اعطایی بانک‌ها، به افرادی که تقاضای وام کرده‌اند، پایین‌تر از نرخ بازاری آن است، لذا تخصیص بهینه تسهیلات از میان‌رفته و تأثیری که بر سرمایه‌گذاری این بخش می‌گذارد، بسیار اندک است. نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده‌ها در کشور ما تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست، زیرا با نگاهی به بازار غیررسمی پول، عدم هماهنگی بین نرخ سود تسهیلات بانک‌ها و نرخ سود سپرده‌ها با نرخ سود مورد انتظار بازار کاملاً مشهود است. علت هم این است که نرخ سود بازار غیررسمی دامنه تغییرات فوق‌العاده بالایی دارد.

#### نتیجه‌گیری:

از بررسی‌های انجام شده این نتیجه می‌رسد که در بانکداری اسلامی، یک سری احکام فقهی ثابت و یک سری عرصه‌های کارشناسی متغیر وجود دارد که خلط آن‌ها، آثار زیانباری بر جای می‌گذارد؛ چنان‌که تفکیک منطقی و روشمند آن‌ها آثار مثبت فراوانی دارد. اهم احکام ثابت بانکداری اسلامی عبارت‌اند از:

- ۱- معاملات بانکی باید معاملاتی عقلایی و منطقی باشند.
۲. معاملات بانکی باید به‌دور از غرر و با حدود و ضوابط معین و مشخص باشند
- ۳- معاملات بانکی باید خالی از ربا و بیع کالی به کالی باشند.
۴. مفاد معاملات بانکی باید مورد رضایت دو طرف معامله باشند.
۵. ساختار بانک باید به‌گونه‌ای باشد که قابلیت نظارت و کنترل و هدایت از طرف دولت و بانک مرکزی را داشته باشد.

از مجموع مباحث این تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که عدم جبران کاهش ارزش پول، با در نظر گرفتن ملاک تحریم ربا یعنی جلوگیری از ظلم و انظلام به‌گونه‌ای که نه به قرض دهنده ظلم شود، نه به قرض گیرنده) مصداق عملی ظلم است و روا نمودن ظلم، بر اساس ادله اربعه (نص صریح آیات قران کریم، اخبار، عقل و اجماع)، مذموم و نکوهیده بوده و در مقابل، رعایت عدالت و انصاف و نیز جلوگیری از اجحاف و تعدی و همچنین رسیدن هر ذی‌حقی به‌حق خود، یک قاعده و اصل مسلم در فقه اسلامی است. این اصل در کلیه معاملات ساری و جاری است. قید ناحق و یا ظالمانه بودن در تعریف ربا، جبران کاهش ارزش پول در قرض را از مصداق ربا، خارج می‌کند، زیرا ملاک و مناط حرمت ربا، همان‌طور که بیان شد، ظلم و انظلام است و جبران کاهش ارزش پول قرض داده‌شده توسط قرض گیرنده به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است و عدم جبران آن نیز نوعی ظلم توسط قرض گیرنده به قرض دهنده است. بنابراین با استناد به تعریف ربا، تفاوت‌های پول‌های قدیم و پول‌های جدید و دلایل مذکور، می‌توان بر لزوم جبران کاهش ارزش پول خصوصاً در دیون و معاملات مدت‌دار تأکید نمود. نرخ تورم به‌جز سال‌های ۱۳۷۹ و

۱۳۸۰ و تا حدودی ۱۳۸۵ همواره بیش از نرخ سود سپرده گذاری یک ساله بوده است. به این ترتیب سپرده گذاران عملاً در نتیجه سپرده گذاری نزد بانکها متضرر شده و قدرت خرید سپرده های خود را از دست داده اند. همچنین برای سپرده های کوتاه مدت در تمامی سالها این حالت اتفاق افتاده، ولی وضعیت برای سپرده های بلندمدت بهتر است، و به غیر از سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، نرخ سود واقعی برای این نوع سپرده مثبت بوده است.

نرخ بهره واقعی تسهیلات اعطایی بانکها، به افرادی که تقاضای وام کرده اند، پایین تر از نرخ بازاری آن است، لذا تخصیص بهینه تسهیلات از میان رفته و تأثیری که بر سرمایه گذاری این بخش می گذارد، بسیار اندک است. نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده ها در کشور ما تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست، زیرا با نگاهی به بازار غیر رسمی پول، عدم هماهنگی بین نرخ سود تسهیلات بانکها و نرخ سود سپرده ها با نرخ سود مورد انتظار بازار کاملاً مشهود است. علت هم این است که نرخ سود بازار غیر رسمی دامنه تغییرات فوق العاده بالایی دارد. مهم ترین عرصه های کارشناسی و متغیر بانکداری اسلامی عبارتند از:

۱. مالکیت منابع در بانکداری اسلامی شکل واحدی ندارد و می تواند خصوصی، دولتی یا ترکیبی از آن دو باشد.
  ۲. مدیریت منابع در بانکداری اسلامی شکل واحدی ندارد و می تواند خصوصی، دولتی یا شکل متمرکز و غیرمتمرکز باشد.
  ۳. انتخاب عقود بانکی از جهت تعداد و نوع، به وضعیت زمانی و مکانی بستگی دارد.
  ۴. ساختار کلی، سازماندهی اجزا و عناصر نظام بانکی، بستگی کامل به موقعیت اجتماعی و اقتصادی دارد.
- و در پایان بیان این نکته ضروری است که تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در مجلس شورای اسلامی و تأیید آن توسط شورای نگهبان و طراحی مدل اجرایی خاص از این قانون، به معنای کشف الگوی یگانه بانکداری اسلامی نیست بلکه این قانون یکی از چندین قانونی است که می توان با استفاده از قراردادهای مجاز شرعی به تصویب رساند که این مدل اجرایی فعلی یکی از چندین مدلی است که می توان با استفاده از قانون عملیات بانکداری بدون ربا طراحی نمود.

### **\*\*نتایج بر اساس فرضیات تحقیق:**

- ۱- نظام فقهی حقوقی در تعیین نرخ بهره در سیستم بانکداری جهانی شده واجد کارایی موثر نیست. فقدان راهکار مناسب برای تحقیق و توسعه بانکداری بدون ربا و دانش اقتصاد به معنای عام آن به ویژه اقتصاد پول و بانکداری به سرعت در حال توسعه و گسترش است به طوری که هر ساله شاهد به کارگیری انواعی از ابزارهای نوین پولی و بانکی هستیم، یک قانون پویا باید راهکارهای لازم برای تحقیق و توسعه را در درون خود داشته باشد تا فعالان اقتصادی در تنگنای فرایند طولانی مدت تغییر قانون گرفتار نشوند. قانون فعلی بانکداری بدون ربا از چنین خصیصه ای خالی است و برای هر نوع تغییر و تحولی نیاز به بازنگری در خود قانون است. در قانون پیشنهادی افزون بر ماده ۳۲ که توضیح آن گذشت، بر اساس ماده ۴۰، مؤسسه های اعتباری بانکی و غیر بانکی می توانند با انجام تحقیقها و مطالعه های لازم، روشها و قراردادهای شرعی دیگری پیشنهاد کرده با موافقت کمیته فقهی بانک مرکزی در معامله های خود به کارگیرند. روشن است که اعطای چنین اختیاری به فعالان صنعت بانکداری چه کمک شایانی برای پیشرفت آن خواهد داشت.
- ۲- لزوم پویایی در قوانین و مقررات فقهی در تعیین نرخ بهره که در سیستم بانکداری ایران دست و پاگیرند و تعیین نرخ بهره از ضرورت های رقابت در عرصه بانکداری جهانی است.

و وضعیت اقتصادی جامعه‌های امروزی چنان پیچیده و متحول است که هر بانک یا مؤسسه اعتباری اگر بخواهد با کارایی بالا فعالیت کند نیازمند ارتباط‌های مالی گسترده و سریع با دیگر بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری است. گاهی بانک یا مؤسسه اعتباری برای چند ماه، چند روز یا چند ساعت با کسری نقدینگی روبه‌رو است درحالی‌که هم‌زمان بانک یا مؤسسه اعتباری دیگری از مازاد نقدینگی برخوردار است. وجود راهکارهای مناسب برای استفاده از منابع یکدیگر باعث بالا رفتن کارایی و سود همه بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری می‌شود. قانون فعلی بانکداری بدون ربا هیچ راهکاری برای ارتباط بین بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری ایران با بانک‌های بدون ربا دیگر کشورهای اسلامی و با بانک‌های متعارف دنیا ندیده است درحالی‌که با استفاده از برخی قراردادهای شرعی می‌توان حتی با بانک‌های ربوی و متعارف دنیا تعامل کرد.

**۳- سازوکار حاکم بر نظام بانکداری ایران و بانک تجارت جهانی در تعیین نرخ بهره از ضرورت‌های خاص اقتصادی خود تبعیت می‌کنند. و نرخ بهره در بانکداری ایران توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود.**

از آنجاکه شیوه خرید دین در قانون عملیات بانکی بدون ربا فعلی نیامده است، بانک‌ها نمی‌توانند برای اعطای تسهیلات به شیوه خرید دین از منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری استفاده کنند و فقط مجازند از منابع مالکیتی بانک‌ها استفاده کنند و این باعث محدودیت بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی می‌شود، با افزودن خرید دین به شیوه‌های اعطای تسهیلات، بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی می‌توانند با وکالت از طرف صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، منابع آنان را در تسهیلات سودآور از راه خرید دین استفاده کنند به‌ویژه این‌که با دستورالعمل‌های جدید بانک مرکزی مبنی بر طراحی اعتبار در حساب‌جاری و کارت‌های اعتباری بر اساس خرید دین انتظار می‌رود سهم این شیوه از اعطای تسهیلات به مقدار قابل توجهی افزایش یابد و منابع تملیکی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی برای پاسخ‌گویی کفایت نکنند.

### پیشنهادها

۱. با توجه به روایات و فتاوی فقیهان، در شرایط عادی کسی حق قیمت‌گذاری و تعیین نرخ برای کالاها و خدمات ندارد و قیمت در بازار تعیین می‌شود.

۲. در شرایط غیرعادی مانند تبانی و احتکار، حاکم اسلامی مسئولیت دارد با اتخاذ تدابیر لازم، وضعیت اقتصادی را به شرایط طبیعی برگرداند و نوبت به قیمت‌گذاری نمی‌رسد.

۳. اگر صاحبان کالاها و خدمات سوءاستفاده کنند و قیمتی تعیین کنند که کسی توان خرید نداشته باشد و آن قیمت تبدیل به وسیله ای برای احتکار شود، حاکم اسلامی حق قیمت‌گذاری دارد.

۴. در هر صورت، قیمت تعیین‌شده باید متناسب با قیمت بازار باشد و موجب ضرر و زیان به فروشنده و خریدار نشود.

۵. با توجه به تأثیر تغییرات سود بانکی (سود سپرده‌ها و تسهیلات بر متغیرهای مهمی چون دارایی و درآمد افراد و خانوارها از یک سو و سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری و تورم از سوی دیگر، هر نوع تغییری باید با مطالعات کارشناسی دقیق فقهی، حقوقی و اقتصادی باشد. فقه و حقوق / سید عباس موسویان

۶. سپرده‌های جاری و پس‌انداز، تابع نرخ‌های سود بانکی نیستند ولی سپرده‌های سرمایه‌گذاری، تابع مستقیم سود سپرده‌ها هستند و هر نوع کاهش در سود آنها بدون کاهش نرخ تورم، باعث خروج بخشی از آنها از نظام بانکی می‌شود.

۷. نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی ایران برای بخش‌های تولیدی (کشاورزی، صنعت، معدن و مسکن) به‌طور متوسط کمتر از نرخ‌های جهانی و در سال‌های اخیر برای همه بخش‌ها منفی است و این به معنای پرداخت یارانه مخفی به همه بخش‌هاست که منطقی نیست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود نرخ‌های تسهیلات بانکی، کارشناسی و موردبازنگری قرار گیرد.

۸. مقایسه نرخهای حاشیه سود بانکی ای را با نرخهای جهانی نشان می دهد که حاشیه سود بانکی در ایران (طبق محاسبه بانک مرکزی)، بیش از نرخهای جهانی است. لازم است با یافتن راه کارهای کارا، از هزینه های گوناگون بانکی کاست و حاشیه سود را به نرخهای جهان رساند.

۹. همه تصمیم ها و تغییرها باید باهدف رسیدن به نرخهای تعادلی و وضعیتی که بتوان نرخها را آزاد کرد، صورت گیرد. زیرا، فقط در آن صورت است که زمینه های شرع و قانون رعایت می شود و فساد و رانت خواری برچیده می شود و به نرخهای تعادلی پایدار می رسیم.

## منابع

- ۴- ابراهیمی، محمدحسین، (۱۳۷۲) ربا و قرض در اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵- احسانی، س.، (۱۳۸۴)، مدل اقتصاد اسلامی، مترجم: مجتبی شریفی منبع: باشگاه اندیشه
- ۶- امین، حسن عبدالله (۱۳۶۷) سپرده‌های نقدی و راه‌های استفاده از آن در اسلام مترجم درخشنده، محمد. تهران: امیرکبیر.
- ۷- انیس، ابراهیم، (۱۴۰۸ ق)، المعجم الوسيط، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۸- بزرگی، وحید (۱۳۹۰) درآمدی بر سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران. تهران: قومس
- ۹- بهمنی، محمود (۱۳۸۶) بانکداری ۲ عقود اسلامی). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۰- پیروز، علی، (۱۳۸۴)، مدیریت در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۱- ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی سال‌های مختلف. (وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)
- ۱۲- تفضلی، فریدون، (۱۳۷۸)، اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران نشرنی.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸) مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- ۱۴- جکسون، جان اچ (۱۳۸۲) نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان تجارت جهانی مترجم: قنبری جهرمی، محمدجعفر. تهران: نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- چپرا، محمدعمر، (۱۳۸۳)، اسلام و توسعه اقتصادی، محمدنقی نظرپور - سیداسحاق علوی.
- ۱۶- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ دوم. شرکت چاپ و نشر لیلی.
- ۱۷- ختایی، محمود، (۱۳۷۸)، گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات پولی و بانکی.
- ۱۸- ختایی، محمود، (۱۳۸۴)، اثر تغییر نرخ سود رسمی پیش‌بینی شده بر سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، تهران پژوهشگاه پولی و بانکی.
- ۱۹- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴) تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۰- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ ق)، البیع، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۶) استفتائات جدید. قم. بجامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۲- دادگر کرمانجی، یدالله، (۱۳۷۸)، نگرشی بر اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر مدرس.
- ۲۳- رجایی، سید محمد کاظم، (۱۳۸۵)، ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲۴- رضایی، مجید (۱۳۸۳) کار اقتصادی در پرتو بینش و ارزش‌های اسلامی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۵- روزبهان، محمود، (۱۳۷۸)، اقتصاد اسلامی، تهران: نشر قلم
- ۲۶- سریع القلم، محمود، (۱۳۸۰)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- ۲۷- سورانی، داود، (۱۳۸۷)، مفاهیم علم اقتصاد، آشنایی با ابزارهای مالی، خبرگزاری دانشجویان ایران.

- ۲۸- صدر، سید کاظم، (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۹- صدیقی، نجات الله (۱۳۶۱): بانکداری بدون بهره، ترجمه اکبر مهدی پور، تهران، سروش.
- ۳۰- صمیمی، حسین (۱۳۹۱) کاربرد فقه در بانکداری اسلامی. تازه های اقتصاد، (۱۳۶)، ۱۳۵-۱۳۷.
- ۳۱- ضیائی، منوچهر (۱۳۷۲) مجموعه قوانین پولی و بانکی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
- ۳۲- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸) تفسیر المیزان: تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ۳۳- عاملی، حر (۱۴۱۳ ق) وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البيت،
- ۳۴- عبداللهی، محمود (۱۳۷۵) مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، انتشارات اسلامی، دوم.
- ۳۵- عیوض لو، حسین و مرتضی بکی حسکویی (۱۳۸۸) مبانی فقهی - اقتصادی بانکداری و تأمین مالی اسلامی به تهران انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۶- غنی نژاد، موسی (۱۳۷۵) تفاوت ربا و بهره، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی، تهران،
- ۳۷- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۵) ربا و بهره در اقتصاد سیاسی اسلام، تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۱۱ و ۱۱۲..
- ۳۸- کاشانی، سید محمود (۱۳۷۶) بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا، مجموعه سخنرانی ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری تهران
- ۳۹- کاشانی، فقهی، ۱۳۸۰، تکمیل نهادهای مالی در کشور، پژوهشکده پولی و بانکی
- ۴۰- کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند، (۱۳۸۰)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- ۴۱- کشوری، عیسی (۱۳۷۴) کاربرد قواعد فقه در حقوق. تهران: نشر غیاث.
- ۴۲- گلریز، حسن (۱۳۸۰) فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالی بین المللی. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۴۳- گلریز، حسن و ماجدی، علی (۱۳۶۷) پول و بانک از نظریه تا سیاست گذاری. تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
- ۴۴- ماجدی، علی و حسین گلریز (۱۳۷۲) پول و بانکداری از نظریه تا سیاست گذاری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی
- ۴۵- ماهنامه اقتصاد ایران، (دی ۱۳۸۵)، شماره ۹۵، سال نهم.
- ۴۶- مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران مؤسسه عالی بانکداری ایران. ۱۳۸۴
- ۴۷- مراجع معظم تقلید، توضیح المسائل، انتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۷۸ ش.
- ۴۸- مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳) فرهنگ اقتصادی. تهران: پیشبرد و نگاه.
- ۴۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، مسئله ربا به ضمیمه بیمه، انتشارات صدرا
- ۵۰- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۳) تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
- ۵۱- مهدوی نجم آبادی، سیدحسن (۱۳۸۹) بانکداری اسلامی شیوه نظری، مجله روند، سال سوم. |
- ۵۲- موسایی، میثم، (۱۳۷۶)، تبیین مفهوم و موضوع را از دیدگاه فقهی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
- ۵۳- موسویان، سید عباس (۱۳۷۹) کلیات نظام اقتصادی اسلام، انتشارات دار الثقلین

- ۵۴- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳) بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۵۵- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۹) ابزارهای مالی اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۵۶- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰) طرح تحول نظام بانکی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۵۷- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۷) بررسی فقهی و اقتصادی تعیین نرخ سود بانکی. تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران،
- ۵۸- میر جلیلی، سید حسین و حسن نظری، (۱۳۸۲)، پول در اقتصاد اسلامی، چهارمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
- ۵۹- میرجلیلی، سید حسین (۱۳۷۴) ارزیابی بانکداری بدون ربا، معاونت امور اقتصادی
- ۶۰- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ ق) المكاسب و البیع، قم، مؤسسه نشر اسلامی،.
- ۶۱- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴) جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، دهم،
- ۶۲- نوری، حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت،
- ۶۳- یوسفی، احمدعلی، (۱۳۸۱) ربا و تورم، مرکز نشر آثار پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۶۴- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۲) قانون عملیات بانکی بدون ربا، مجلس شورای اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲

## **Investigating the dynamics of jurisprudential laws and regulations in determining the interest rate in the Islamic economic system and comparing it with the World Bank indices**

**Afsaneh Aminikhah<sup>۱\*</sup>, Tayebeh Arefnia<sup>۲</sup>**

۱. PhD student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Yadegar Imam Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
۲. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Imam Khomeini Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### **Abstract**

This paper examines the dynamics of jurisprudential laws and regulations in determining the interest rate in the Islamic economic system and comparing it with the World Bank indices. The research is based on a descriptive-analytical method and the research tool is a library using books, journals and articles. One of the major conflicts of the present government and the banking system and the people is the interest rate setting. The interest rate that can define the financial cycle situation and the way it is invested is a huge part of the economy. The economic situation of today's societies is so complex and fluctuating that any bank or credit institution needs to have extensive and rapid financial relationships with other banks and credit institutions if it is to operate with high efficiency. Proper solutions to use each other's resources increase the efficiency and profitability of all banks and credit institutions. The current law on non-usury banking has seen no solution for linking Iranian banks and credit institutions with non-abusive banks in other Islamic countries and with conventional banks around the world, while using some religious contracts can even interact with abusive and conventional banks around the world. Jurisprudently, taking inflation into account in calculating profits is not an interest, and only a preserve of the real value of money. In this paper, using the experiences of the banking system of Iran and other Islamic countries, the law of non-usury banking operations is reviewed and then an alternative law is proposed to be amended